



پژوهشکده پولی و بانکی
بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران

▪ مقاله کاری شماره (۱۰) / زمستان ۱۳۹۱

▪ مجموعه روایات ربا(بخش اول)

▪ فرشته ملاکریمی



پژوهشکده پولی و بانکی
بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران

پژوهشکده پولی و بانکی

بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران

تهران: میدان آرژانتین، ابتدای بزرگراه آفریقا، روبروی پارکینگ بیهقی، پلاک ۱۰

کدپستی: ۱۵۱۴۹۴۷۱۱۱ صندوق پستی: ۷۹۴۹-۱۵۸۷۵

www.mbri.ac.ir

- دیدگاه و نظرات ارائه شده در این مقاله متعلق به نویسندگان بوده و لزوماً نظر پژوهشکده پولی و بانکی را منعکس نمی‌کند.
- کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به پژوهشکده پولی و بانکی می‌باشد، لیکن استفاده از نتایج این مقاله با ذکر منبع بلامانع است.



پژوهشکده پولی و بانکی
بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران

فهرست مطالب

۴.....	مقدمه
۹.....	روایات ربا
۹.....	دسته اول: ربا گناه کبیره
۱۰.....	دسته دوم: شدت حرمت ربا
۱۶.....	دسته سوم: مجازات رباخوار
۱۸.....	دسته چهارم: علت حرمت ربا
۱۹.....	دسته پنجم: حرمت شهادت و کتابت ربا
۲۰.....	دسته ششم: ربا امری پیچیده
۲۱.....	دسته هفتم: استثنافات ربا
۲۳.....	دسته هشتم: حکم جهل به ربا، توبه و ارث بردن
۲۶.....	دسته نهم: تعریف ربا
۲۹.....	دسته دهم: جواز دریافت ربا بدون شرط
۴۰.....	دسته یازدهم: حرمت ربای قرضی
۴۵.....	دسته دوازدهم: حیل ربا



پژوهشکده پولی و بانکی
بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران

مقاله کاری شماره ۹

بررسی فقهی و حقوقی وثایق بانکی

فرشته ملاکریمی^۱

مقدمه

موضوع ربا و حرمت آن از جمله مباحثی است که خداوند متعال با تأکید بر حرمت آن در قرآن کریم، مسلمانان را از آن بر حذر داشته است. خداوند بعد از نهی کردن از رباخواری و دعوت به تقوا می فرماید: ای مؤمنان! اگر از رباخواری دست نکشید، داخل آتشی می شوید که برای کافران آماده کرده ایم. خداوند در جای دیگری می فرماید: کسانی که ربا می خورند، (در قیامت) برنمی خیزند مگر مانند کسی که بر اثر تماس شیطان، دیوانه شده (و نمی تواند تعادل خود را حفظ کند؛ گاهی زمین می خورد، گاهی بپا می خیزد).

پیامبر اسلام و ائمه معصومین نیز در قالب روایات فراوانی به اهمیت این مسأله، تبیین ابعاد مختلف آن و حکم حرمت آن پرداخته اند. در کتب روایی روایات فراوانی پیرامون مسأله ربا وجود دارد. در این نوشتار جهت آشنایی، تعدادی از این روایات به همراه ترجمه و بررسی سندی آن دسته بندی شده است.

قبل از ذکر روایات، لازم است برخی اصطلاحات حدیثی توضیح داده شود. اصطلاحاتی که در بررسی سندی احادیث دارای اهمیت هستند.

^۱. کارشناس ارشد پژوهشی، گروه بانکداری اسلامی، پژوهشکده پولی و بانکی.



اقسام حدیث ۲

قدمای امامیه، حدیث یا خبر را به صحیح و غیر آن تقسیم می کردند و برای صحیح نزد آنان شرایطی بوده است و اجمالا خبری را که افراد مورد اطمینان و وثوق نقل کنند یا مقارن و معتضد به جهاتی باشد که موجب وثوق گردد، صحیح می دانستند، ولی محدثین اهل سنت از دیر زمان، حدیث را به سه نوع اصلی منقسم می کردند: صحیح و حسن و ضعیف.

صحیح

خبری است که سلسله سند آن توسط رجال موثق و امامی مذهب به معصوم متصل گردد.

حسن

خبر متصلی است که تمامی سلسله سند امامی مذهب و ممدوح باشند، ولی احراز بر عدالت هر یک نشده باشد یا بعضی ممدوح و بقیه ثقه باشند.

موثق

موثق خبری است که نسبت به کلیه افراد سلسله سند در کتب رجال شیعه تصریح به وثاقت شده باشد، اگر چه بعضی از افراد زنجیره حدیث غیر امامی باشند، گاهی از روایت موثق به قوی تعبیر شده است.

ضعیف

خبری است که شروط یکی از اقسام نامبرده (صحیح، حسن، موثق، قوی) در آن جمع نباشد. شند حدیث ضعیف تا معصوم متصل نیست یا در میان افراد سند، شخصی که مجهول الحال یا متهم به کذب، فسق و ... است، وجود داشته باشد. برخی علل ضعف حدیث عبارتند از: کذب راوی در حدیث، اتهام وی به کذب، کثرت خطای راوی، غفلت راوی از اتقان در نقل حدیث، فسق راوی، مجهول بودن راوی، کم حافظگی راوی.

^۲ اقسام احادیث و تعاریف آن از کتاب درایه الحدیث اثر کاظم مدیر شانه چی نقل شده است. این کتاب توسط موسسه تحقیقات و نشر معارف اهل البیت (ع) منتشر شده است.



اصطلاحات سندی ناظر به اتصال سند

- مسند، روایتی است که سلسله اسناد آن در تمام طبقات متصل به معصوم باشد. اهل سنت چون عنوان معصوم را منحصر در پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) می دانند، روایتی که سند آن تا پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) متصل است، مسند می دانند، اما محدثان شیعه بخاطر تعمیم معصوم به ائمه (علیهم السلام) اتصال به معصوم را در تعریف مسند لحاظ کرده اند. اصطلاح مسند با توجه به این که از بیان عقیده و اخلاق راویان؛ یعنی اثبات ایمان و عدالت، ساکت است، از کارآیی چندانی برخوردار نیست. گاه نیز مقصود از مسند مجموعه روایی است که روایات آن بر اساس ترتیب صحابه و روایات نقل شده از آنان تنظیم شده است؛ نظیر مسند احمد بن حنبل
- متصل، متصل بسان مسند، روایتی است که در تمام طبقات دارای اتصال است. با این تفاوت که در متصل، روایت می تواند از معصوم نقل شود، یا به صورت موقوف به به غیر معصوم منتهی گردد. از این جهت متصل اعم از مرفوع و موقوف است. به حدیث متصل، موصول نیز می گویند
- عالی و نازل، مقصود از عالی السند، روایتی است که رغم بر خورداری از اتصال، از واسطه کمتری تا معصوم برخوردار باشد باشد و نازل در برابر آن است؛ یعنی اگر واسطه زیاد باشد نازل گفته می شود.
- مضمر، روایتی است در انتهای سند به جای تصریح به نام معصوم از ضمیر غایب استفاده شده باشد. چنین کاربردی ناشی از آن است که راوی بخاطر تقیه از بردن نام امام اجتناب کرده یا نام امام بر او مشتبه شده است
- مفرد حدیثی است که تنها از یک راوی، یا یک فرقه، یا یک شهر خاص نقل شده باشد.
- موقوف، به روایت که سلسله سند آن به صحابی پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم)، یا مصاحب امام معصوم (علیه السلام) منتهی شود موقوف می گویند. روایت موقوف بخاطر اعتبار صحابه در بسیاری از موارد از نگاه اهل سنت حجت است، اما محدثان شیعه روایت موقوف را تنها زمانی که صدور آن از طریق قرائن از معصوم ثابت شود حجت می دانند
- مقطوع، به روایتی که سلسله سند آن به یکی از تابعان منتهی شود، مقطوع می گویند. این اصطلاح بیشتر در روایات اهل سنت رائج است. و حدیث مقطوع بسان موقوف به رغم اتصال سند از نظر محدثان شیعه فاقد حجیت است.
- مشهور، روایتی است که نقل آن شایع باشد؛ اعم از آن که در برابرش روایت شاذ باشد یا نباشد. شهرت روایی ضرور تا به معنای صحت سند آن نیست. اصطلاح مشهور در عرصه های مختلف گسترده مورد توجه قرار گرفته است.
- مستفیض، (از ریشه فاض الماء به معنای سرازیر شدن آب است) در اصطلاح به حدیثی گفته می شود که راویان آن در هر طبقه زیاد باشند، اما بیشتر محدثان معتقداند که مستفیض حدیثی است که راویان آن در هر طبقه بیش از سه تن باشند
- عزیز، هر روایتی که شمار راویان و طرق آن دو تن باشد، عزیز است و شاید بخاطر اندک بودن چنین روایتی به آن عزیز گفته ده است. اصطلاح عزیز رواج و کاربرد چندانی ندارد.
- شاذ یا نادر، شاذ به روایت گفته می شود که تنها دارای یک اسناد و راویان آن ثقة باشند و مخالف روایتی باشد که گروهی (= مشهور) آن را نقل کرده باشند. به روایت شاذ، نادر نیز می گویند. نظیر روایت: و الله ما نقص من شهر



رمضان ؛ به خدا قسم ماه رمضان هرگز دچار نقصان (= ۲۹ روز) نمی‌شود. اصطلاح شاذ از جمله اصطلاحاتی است که تا حدود متداول است.

- منکر یا مردود، به روایتی که تنها دارای یک اسناد بوده و راویان آن غیر ثقه و مخالف روایتی باشد که گروهی (= مشهور آن را نقل کرده اند)، منکر، یا مردود می‌گویند. تفاوت روایت منکر با روایت شاذ در این است که در روایت شاذ بر عکس منکر، راویان ثقه اند. اصطلاح منکر به صورت شایع متداول است.

اصطلاحات سندی ناظر به انقطاع سند

از آنجا که انقطاع سند می‌تواند از آغاز، یا وسط، یا آخر سند و به صورت حذف یک راوی، یا بیشتر باشد، برای هر نوع از انقطاع سند اصطلاح خاصی بدین شرح وضع کرده اند:

- معلق، هرگاه از آغاز سند حدیث یک، یا چند واسطه به طور پیوسته حذف شده باشد و حدیث به راویان بعدی استناد داده شود، حدیث معلق است. چنان که روایات من لایحضره الفقیه و نیز بسیاری از روایات تهذیب الاحکام و استبصار چنین است، یعنی شیخ صدوق و شیخ طوسی راویان آغاز سند را حذف کرده و روایت را از آخرین راوی امام نقل می‌کنند.
- منقطع، شامل هر حدیثی است که به هر صورتی به معصوم متصل نباشد و از آغاز سند، یا از وسط یا از آخر سند یک، یا چند راوی ساقط شده باشند، بر این اساس اصطلاح منقطع شامل شش قسم از اقسام حدیث فاقد اتصال سند خواهد بود. اما منقطع به معنای اخص - که اصطلاح منقطع بیشتر در این معنا شناخته شده است - روایتی است که از وسط سند آن یک راوی حذف شده باشد. البته تعاریف دیگری نیز برای منقطع گفته شده است. این اصلاح از جمله اصطلاحات کم کاربرد به شمار می‌رود.
- مرفوع، دارای دو تعریف است: الف) هر حدیثی که به معصوم علیه السلام نسبت داده شود مرفوع است؛ اعم از آن که متصل باشد، یا منقطع. طبق این تعریف اصطلاح مرفوع در برابر دو اصطلاح موقوف (= روایت منتسب به صحابی) و مقطوع (= روایت منسوب به تابعی) قرار دارد. ب) هر روایتی که از وسط، یا آخر سند آن یک راوی، یا بیشتر افتاده شده و تصریح به لفظ رفع شده باشد مرفوع است. مثلاً گفته شود: روی الکلینی عن علی بن ابراهیم، عن اءبیه، رفعه عن اءبی عبدالله (علیه السلام) که در این سند میان پدر علی بن ابراهیم قمی؛ یعنی ابراهیم بن هاشم تا امام صادق (علیه السلام) یک یا چند راوی حذف شده و به لفظ رفع نیز تصریح شده است
- مرسل، مرسل از ریشه ارسال الدابه به معنای برداشتن قید و بند از چهارپا آمده است. گویا در حدیث مرسل با حذف سند قید و ربط حدیث رها شده است. مرسل دارای دو اصطلاح است: ۱- معنای عام، و آن هر حدیثی است که دچار ارسال و حذف اسناد باشد؛ اعم از این که همه راویان، یا شماری از آنان حذف شده باشند. مرسل به این معنا شامل اصطلاح نخست مرفوع (= هر حدیث منتسب به معصوم) موقوف (= روایت صحابی)، مقطوع (= روایت تابعی)، معلق (= حذف آغاز سند)، منقطع (= حذف یک راوی از وسط سند) و معضل (= حذف بیش از یک راوی از وسط سند) می‌شود
- معنای خاص، مرسل به این معنا حدیثی است که تابعی بدون ذکر واسطه یعنی صحابی از پیامبر (صلی الله علیه و آله



پژوهشکده پولی و بانکی
بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران

- و سلم) نقل کند. مفهوم متداول این اصطلاح همان معنای نخست است.
- مدلس ، مدلس از مصدر دلس به معنای تاریکی و از ریشه مدالسه به معنای خدعه و نیرنگ زدن به کسی است . و از آنجا که مدلس با تدلیس مخاطب ، خود را در تاریکی برده و به او نیرنگ می زند به کار او تدلیس گفته شده است. تدلیس در اصطلاح محدثان بر دو قسم است : ۱- تدلیس اسناد، و آن بدین معناست که عیب سند را پنهان می سازد. ۲- تدلیس در شیوخ ، به این معنا که به رغم ملاقات و شنیدن حدیث از شیخ ، نام او را به صراحت نبرده و از او با اسامی و کنیه های غیر معروف یاد کند
 - موضوع ، وضع به معنای جعل بوده و در اصطلاح ، حدیثی است دروغین و برساخته که به معصوم نسبت داده شده است . به احادیث موضوع ، گاه مجعول نیز گفته می شود



روایات ربا

در کتب روایی روایات زیادی پیرامون مسأله ربا از ائمه معصومین (ع) نقل شده است که در این نوشتار سعی شده است تعدادی از این روایات به صورت دسته بندی شده ذکر شود.

دسته اول: ربا گناه کبیره

• وسائل الشیعة؛ ج ۱۵، ص: ۳۱۸

۱. مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ عِدَّةٍ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ قَالَ: كَتَبَ مَعِيَ بَعْضُ أَصْحَابِنَا إِلَى أَبِي الْحَسَنِ ع - يَسْأَلُهُ عَنِ الْكِبَائِرِ كَمْ هِيَ وَ مَا هِيَ - فَكَتَبَ الْكِبَائِرُ مِنْ اجْتِنَابِ مَا وَعَدَ اللَّهُ عَلَيْهِ النَّارَ - كَفَرَتْ عَنْهُ سَيِّئَاتِهِ إِذَا كَانَ مُؤْمِنًا - وَ السَّبْعُ الْمُوجِبَاتُ قَتْلُ النَّفْسِ الْحَرَامِ - وَ عُقُوقُ الْوَالِدَيْنِ وَ أَكْلُ الرِّبَا - وَ التَّعَرُّبُ بَعْدَ الْهِجْرَةِ وَ قَذْفُ الْمُخَصَّنَةِ - وَ أَكْلُ مَالِ الْيَتِيمِ وَ الْفِرَارُ مِنَ الرَّحْفِ.

ابن محبوب گوید: یکی از اصحاب نامه ای نوشت و بمن داد که حضرت ابوالحسن علیه السلام دهم ، در آن نامه پرسیده بود: کبائر چند تاست و چیست ؟ حضرت نوشت: کبائر کسی که از آنچه خدا بر آن بدوزخ تهدید کرده دوری کند، کردارهای بدش پوشیده می شود، اگر مؤمن باشد، و هفت گناهی که موجب دوزخ میشود: ۱- آدمکشی حرام (نه کشتن قاتل و مهاجم و مانند آن) ۲- نافرمانی پدر و مادر (بدرجه ای که عاق آنها شود) ۳- رباخواری ۴- تعرب بعد از هجرت . ۵- متهم ساختن زنان پارسا بزنا. ۶- خوردن مال یتیم . ۷- فرار از جهاد.

ارزیابی: صحیح/مسند

وسائل الشیعة؛ ج ۱۵، ص: ۳۲۱

۲. وَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ الْحَجَّاجِ عَنْ عَبْدِ بْنِ زُرَّارَةَ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع عَنِ الْكِبَائِرِ - فَقَالَ هُنَّ فِي كِتَابِ عَلِيِّ ع سَبْعٌ - الْكُفْرُ بِاللَّهِ وَ قَتْلُ النَّفْسِ وَ عُقُوقُ الْوَالِدَيْنِ - وَ أَكْلُ الرِّبَا بَعْدَ الْبَيْئَةِ وَ أَكْلُ مَالِ الْيَتِيمِ ظُلْمًا - وَ الْفِرَارُ مِنَ الرَّحْفِ وَ التَّعَرُّبُ بَعْدَ الْهِجْرَةِ - قَالَ فَقُلْتُ هَذَا أَكْبَرُ الْمُعَاصِي فَقَالَ نَعَمْ - قُلْتُ فَأَكُلُ الدَّرْهَمِ مِنْ مَالِ الْيَتِيمِ ظُلْمًا أَكْبَرُ أَمْ تَرَكَ الصَّلَاةَ - قَالَ تَرَكَ الصَّلَاةَ - قُلْتُ فَمَا عَدَدَتْ تَرَكَ الصَّلَاةَ فِي الْكِبَائِرِ - قَالَ أَيْ شَيْءٍ أَوْلُ مَا قُلْتُ لَكَ قُلْتُ الْكُفْرُ - قَالَ فَإِنَّ تَارِكَ الصَّلَاةِ كَافِرٌ يَعْنِي مِنْ غَيْرِ عِلَّةٍ.

آنها در کتاب علی (علیه السلام) هفت است: کفر بخدا، آدم کشی، نافرمانی پدر و مادر، خوردن ربا بعد از دانستن، خوردن مال یتیم به ناحق، فرار از جهاد، تعرب بعد از هجرت، عرض کردم: اینها بزرگترین گناهانند؟



پژوهشکده پولی و بانکی
بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران

فرمود: آری، عرض کردم: گناه خوردن یک درهم از مال یتیم بناحق بزرگتر است یا ترک نماز؟ فرمود: ترک نماز، عرض کردم: شما که ترک نماز را از کبائر نشمردی؟
فرمود: نخستین چیزی که به تو گفتم چه بود؟ عرض کردم: کفر، فرمود: ترک کننده نماز کافر است، یعنی بدون علت و عذر.

ارزیابی: صحیح/مسند

وسائل الشیعه؛ ج ۱۵، ص: ۳۲۲

۳. وَ عَنْهُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى عَنْ يُونُسَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُسْكَانَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: الْكِبَائِرُ سَبْعٌ قَتَلُ الْمُؤْمِنِ مُتَعَمِّدًا - وَ قَدَفُ الْمُحْصَنَةِ وَ الْفِرَارُ مِنَ الرَّحْفِ - وَ التَّعَرُّبُ بَعْدَ الْهَجْرَةِ وَ أَكْلُ مَالِ الْيَتِيمِ ظُلْمًا - وَ أَكْلُ الرِّبَا بَعْدَ الْبَيِّنَةِ وَ كُلُّ مَا أَوْجَبَ اللَّهُ عَلَيْهِ النَّارَ.

محمد بن مسلم از امام صادق (علیه السلام) نقل می کند که کبائر هفت گناه است: کشتن مؤمن بعمد، متهم ساختن زن پاکدامن، فرار از جهاد، تعرب بعد از هجرت، خوردن مال یتیم بناحق، خوردن ربا بعد از دانستن حرمت آن، هر چه خدا بر آن دوزخ را واجب کرده.

ارزیابی: صحیح/مسند

دسته دوم: شدت حرمت ربا

• من لا يحضره الفقيه؛ ج ۳، ص: ۲۷۴

۴. رَوَى الْحُسَيْنُ بْنُ الْمُخْتَارِ عَنْ أَبِي بصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ دَرَاهِمٌ رِبَاً أَشَدُّ عِنْدَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ مِنْ ثَلَاثِينَ زَنِيَةً كُلُّهَا بِذَاتِ مَحْرَمٍ مِثْلِ الْخَالَةِ وَالْعَمَّةِ

ابو بصیر گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: گرفتن یک درهم ربا در نزد خداوند عزیز گناهش سخت تر است از سی بار زنا که همه با محارم مانند خاله و عمه صورت گیرد.

۵. وَ فِي رِوَايَةِ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ دَرَاهِمٌ رِبَاً أَشَدُّ عِنْدَ اللَّهِ مِنْ سَبْعِينَ زَنِيَةً كُلُّهَا بِذَاتِ مَحْرَمٍ

هشام بن سالم گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: یک درهم ربا نزد خداوند گناهش عظیم تر است از هفتاد بار زنا که همه با محارم باشد



من لایحضره الفقیه ج: ۴ ص: ۳۷۶

۶. وَ مِنْ أَلْفَاظِ رَسُولِ اللَّهِ صِ الْمَوْجِزَةِ الَّتِي لَمْ يُسَبِّقْ إِلَيْهَا شَرُّ الْمَكَاسِبِ كَسَبُ الرَّبَا
بدترین راه درآمد، درآمدی است که از راه (ربا) به دست آید.

• وسائل الشیعه، ج: ۱۸ ص: ۱۱۹

۷. وَ عَنْهُ عَنْ عُثْمَانَ بْنِ عِيسَى عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ قُلْتُ لَهُ إِنِّي سَمِعْتُ اللَّهَ يَقُولُ يَمْحَقُ اللَّهُ الرَّبَا وَ
يُرْبِي الصَّدَقَاتِ (البقره - ۲۷۶ -) وَ قَدْ أَرَى مَنْ يَأْكُلُ الرَّبَا يَرْبُو مَالَهُ فَقَالَ أَيُّ مَحَقٍ أَمْحَقُ مِنْ دِرْهَمٍ رَبًّا يَمْحَقُ
الدَّيْنَ وَ إِن تَابَ مِنْهُ ذَهَبَ مَالُهُ وَ أَفْتَقَرَ

ارزیابی سندی: صحیح/مسند

مردی از امام صادق علیه السلام از معنای فرموده خداوند یَمْحَقُ اللَّهُ الرَّبَا وَ يُرْبِي الصَّدَقَاتِ - بقره: ۲۷۶» (خداوند ربا را
تباہ و صدقات را افزون می‌کند) پرسید و گفت: من می‌بینم کسی را که ربا می‌خورد و مالش افزون می‌شود. چگونه
است؟ فرمود: کدام نابودی بالاتر است از یک درهم که دین را تباہ کند، و اگر توبه کرد مال را از دست داده و خود
تنگدست گردد.

وسائل الشیعه، ج: ۱۸، ص: ۱۱۷

۸. مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ عِدَّةٍ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ
أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: دِرْهَمٌ رَبًّا أَشَدُّ مِنْ سَبْعِينَ زَنِيَةً كُلُّهَا بِذَاتِ مَحْرَمٍ.

یک درهم ربا گناهش عظیم‌تر است از هفتاد بار زنا که همه با محارم باشد.

ارزیابی سندی: صحیح/مسند

۹. وَ عَنْهُمْ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ ابْنِ فَضَالٍ عَنْ أَبِي جَمِيلَةَ عَنْ سَعْدِ بْنِ طَرِيفٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ع قَالَ: أُخْبِتُ
الْمَكَاسِبِ كَسَبُ الرَّبَا.

امام صادق فرمود: پلیدترین کسب‌ها رباخواری است.

ارزیابی سندی: موثق/مسند

وسائل الشیعه، ج: ۱۸، ص: ۱۱۷



۱۰. وَ بِإِسْنَادِهِ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عَيْسَى عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ الْمُخْتَارِ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: دَرَاهِمٌ رَبًّا أَشَدَّ مِنْ ثَلَاثِينَ زَنِيَةً - كُلُّهَا بِذَاتِ مَحْرَمٍ مِثْلِ عَمَّةٍ وَ خَالَهِ.

امام صادق فرمود: یک درهم ربا نزد خداوند گناهش عظیم‌تر است از سی بار زنا که همه با محارم مثل خاله و عمه باشد

ارزیابی سندی: صحیح/مسند

وسائل الشیعة، ج ۱۸، ص: ۱۱۹

۱۱. وَ عَنْهُ عَنْ صَفْوَانَ عَنْ سَعِيدِ بْنِ يَسَارٍ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع دَرَاهِمٌ وَاحِدٌ رَبًّا أَكْبَرُ مِنْ عَشْرِينَ زَنِيَةً - كُلُّهَا بِذَاتِ مَحْرَمٍ.

امام صادق فرمود: یک درهم ربا نزد خداوند گناهش عظیم‌تر است از بیست بار زنا که همه با محارم باشد.

ارزیابی سند: صحیح / مسند

وسائل الشیعة، ج ۱۸، ص: ۱۲۲

۱۲. وَ بِإِسْنَادِهِ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عَمْرٍو وَ أَنَسِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنِ النَّبِيِّ ص فِي وَصِيَّتِهِ لِعَلِيِّ ع قَالَ: يَا عَلِيُّ الرَّبَّا سَبْعُونَ جُزْءًا - فَأَيُّسَرُهَا مِثْلُ أَنْ يَنْكِحَ الرَّجُلُ أُمَّهُ فِي بَيْتِ اللَّهِ الْحَرَامِ - يَا عَلِيُّ دَرَاهِمٌ رَبًّا أَكْبَرُ عِنْدَ اللَّهِ مِنْ سَبْعِينَ زَنِيَةً - كُلُّهَا بِذَاتِ مَحْرَمٍ فِي بَيْتِ اللَّهِ الْحَرَامِ.

امام صادق از پدرانش، از رسول خدا نقل می کرد که آن حضرت در وصیتشان به حضرت علی فرمود: یا علی! گناه ربا هفتاد بخش است که ناچیزترین آنها مانند این است که مردی با مادر خود در مسجدالحرام زنا کند، یا علی! گناه یک درهم ربا پیش خداوند، بزرگتر از هفتاد مرتبه زناست که همه آنها با محارم و در مسجدالحرام باشد.

ارزیابی سند: ضعیف/مسند

وسائل الشیعة، ج ۱۸، ص: ۱۲۳

۱۳. وَ عَنْهُ ع إِذَا أَرَادَ اللَّهُ بِقَوْمٍ هَلَاكًا ظَهَرَ فِيهِمُ الرَّبَّا.

هرگاه خداوند، نابودی گروهی را اراده کند، رباخواری در میان آنان آشکار می شود.



پژوهشکده پولی و بانکی
بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران

ارزیابی سندی: ضعیف/ مرفوع

۱۴. وَ عَنْهُ ع قَالَ: الرَّبَّاءُ سَبْعُونَ بَاباً أَهْوَنُهَا عِنْدَ اللَّهِ كَالَّذِي يَنْكِحُ أُمَّهُ.

گناه ربا هفتاد بخش است که ناچیزترین آنها مانند این است که مردی با مادر خود زنا کند.

ارزیابی سندی: ضعیف/ مرفوع

۱۵. وَ عَنْ جَمِيلِ بْنِ دَرَّاجٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: دِرْهَمٌ رَبًّا أَكْبَرُ عِنْدَ اللَّهِ مِنْ سَبْعِينَ زَنْبِيَةً - كُلُّهَا بِذَاتِ مَحْرَمٍ فِي بَيْتِ اللَّهِ الْحَرَامِ.

امام صادق فرمود: یک درهم ربا نزد خداوند گناهش عظیم‌تر است از هفتاد بار زنا که همه با محارم باشد.

ارزیابی سندی: صحیح/ مسند

۱۶. أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ عِيْسَى فِي نَوَادِرِهِ عَنْ أَبِيهِ قَالَ: قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ يَعْنِي الْجَوَادَ ع السُّحْتُ الرَّبَّاءُ.

مقصود قرآن از کلمه سحت ، ربا است

ارزیابی سندی: ضعیف/ مسند

۱۷. قَالَ وَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص دِرْهَمٌ رَبًّا أَكْبَرُ عِنْدَ اللَّهِ مِنْ سَبْعِينَ زَنْبِيَةً.

یک درهم ربا گناهش عظیم‌تر است از هفتاد بار زنا.

ارزیابی سندی: ضعیف/ مرفوع

وسائل الشیعة، ج ۱۸، ص: ۱۲۴

۱۸. قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع دِرْهَمٌ رَبًّا أَكْبَرُ عِنْدَ اللَّهِ مِنْ عَشْرِينَ زَنْبِيَةً بِذَاتِ مَحْرَمٍ.

امام صادق فرمود: یک درهم ربا نزد خداوند گناهش عظیم‌تر است از بیست بار زنا که همه با محارم باشد.

ارزیابی سند: ضعیف/مرفوع



۱۹. اَلْعِيَّاشِيُّ فِي تَفْسِيرِهِ عَنْ شِهَابِ بْنِ عَبْدِ رَبِّهِ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع يَقُولُ أَكِلُ الرَّبَا لَا يَقُومُ حَتَّى يَتَخَبَّطَهُ الشَّيْطَانُ مِنَ الْمَسِّ.

(ربا خواران) بپای نمی خیزند جز مانند آن کس که شیطان، بواسطه تماس او را آشفته حال می سازد

ارزیابی سند: ضعیف/مرفوع

• مستدرک الوسائل، ج ۱۳، ص: ۳۲۹

۲۰. الْبَحَّارُ، عَنْ كِتَابِ الْإِمَامَةِ وَ التَّبَصُّرَةِ عَنْ هَارُونَ بْنِ مُوسَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أُسْبَاطٍ عَنْ ابْنِ فَضَّالٍ عَنِ الصَّادِقِ ع عَنْ أَبِيهِ عَنْ آبَائِهِ عَنِ النَّبِيِّ ص قَالَ: شَرُّ الْكَسْبِ كَسْبُ الرَّبَا

بدترین کسب ها رباخواری است.

مستدرک الوسائل، ج ۱۳، ص: ۳۳۱

۲۱. جَامِعُ الْأَخْبَارِ، عَنِ النَّبِيِّ ص أَنَّهُ قَالَ: الرَّبَا سَبْعُونَ جُزْءًا أَيْسَرُهُ مِثْلُ أَنْ يَنْكِحَ الرَّجُلُ أُمَّهُ فِي بَيْتِ اللَّهِ الْحَرَامِ

گناه ربا هفتاد بخش است که ناچیزترین آنها مانند این است که مردی با مادر خود در مسجدالحرام زنا کند.

مستدرک الوسائل، ج ۱۳، ص: ۳۳۲

۲۲. وَ قَالَ ص: الدَّرْهَمُ مِنَ الرَّبَا أَشَدُّ مِنْ ثَلَاثٍ وَ ثَلَاثِينَ زَنْبِيَّةً كُلُّهَا بِذَاتِ مَحْرَمٍ وَ مَنْ نَبَتَ لَحْمُهُ مِنَ السُّحْتِ فَالنَّارُ أَوْلَى بِهِ

۲۳. فرمود: یک درهم ربا بدتر است از سه و سه بار زنا که همه با محارم باشد و هرکس از ربا گوشت بدنش زیاد شود مستحق آتش است.

• الكافي (ط - الإسلامية)؛ ج ۵، ص: ۱۴۴

۲۴. عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيْسَى عَنِ ابْنِ أَبِي عَمِيْرٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ دِرْهَمٌ رَبًّا أَشَدُّ مِنْ سَبْعِينَ زَنْبِيَّةً كُلُّهَا بِذَاتِ مَحْرَمٍ

یک درهم ربا بدتر است از هفتاد بار زنا که همه با محارم باشد

ارزیابی: صحیح/مسند



پژوهشکده پولی و بانکی
بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران

الکافی (ط - الإسلامية)، ج ۵، ص: ۱۴۷

۲۵. أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ فَضَّالٍ عَنْ أَبِي جَمِيلَةَ عَنْ سَعْدِ بْنِ طَرِيفٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ع قَالَ أَخْبَثُ الْمَكَاسِبِ كَسْبُ الرَّبَا

پلیدترین کسب ها رباخواری است.

ارزیابی: موثق/مسند

• تهذیب الأحکام ج: ۷ ص: ۱۵

۲۶. عَنْهُ عَنْ صَفْوَانَ عَنْ سَعِيدِ بْنِ يَسَارٍ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع دَرَاهِمٌ وَاحِدَةٌ رِبَاٌ أَكْبَرُ عِنْدَ اللَّهِ مِنْ عِشْرِينَ زَنْيَةً كُلَّهَا بِذَاتِ مَحْرَمٍ

یک درهم ربا بدتر است از بیست بار زنا که همه با محارم باشد

ارزیابی: صحیح/مسند

• جامع أحادیث الشيعة، ج ۲۳، ص: ۴۳۲



دسته سوم: مجازات رباخوار

• وسائل الشیعة، ج ۱۸، ص: ۱۲۲

۲۷. وَ فِي عِقَابِ الْأَعْمَالِ بِسَنَدٍ تَقَدَّمَ فِي عِيَادَةِ الْمَرِيضِ عَنِ النَّبِيِّ ص فِي حَدِيثٍ قَالَ: وَ مَنْ أَكَلَ الرَّبَا مَلَأَ اللَّهُ بَطْنَهُ مِنْ نَارِ جَهَنَّمَ بِقَدْرِ مَا أَكَلَ - وَ إِنْ اكَتَسَبَ مِنْهُ مَالًا لَمْ يَقْبَلِ اللَّهُ مِنْهُ شَيْئًا مِنْ عَمَلِهِ - وَ لَمْ يَزَلْ فِي لَعْنَةِ اللَّهِ وَ الْمَلَائِكَةِ مَا كَانَ عِنْدَهُ قِيرَاطًا.

هر کس ربا بخورد خداوند عزوجل به اندازه ربایی که خورده شکمش را از آتش دوزخ پر کند و اگر از طریق ربا مالی به دست آورد، خدای تعالی هیچ عمل او را نپذیرد و تا زمانی که قیراطی (کمترین مقدار) از مال ربا نزدش باشد، پیوسته خداوند و فرشتگانش او را نفرین کنند.

ارزیابی سندی: ضعیف/ مسند

۲۸. الْفَضْلُ بْنُ الْحَسَنِ الطَّبْرَسِيُّ فِي مَجْمَعِ الْبَيَانِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص لَمَّا أُسْرِيَ بِي إِلَى السَّمَاءِ رَأَيْتُ قَوْمًا - يُرِيدُ أَحَدُهُمْ أَنْ يَقُومَ وَ لَا يَقْدِرُ عَلَيْهِ مِنْ عِظَمِ بَطْنِهِ - قَالَ قُلْتُ: مَنْ هَؤُلَاءِ يَا جَبْرَائِيلُ - قَالَ هَؤُلَاءِ الَّذِينَ يَأْكُلُونَ الرَّبَا.

پیامبر اکرم - صلی الله علیه و آله و سلم - فرمود: «در شب معراج جماعتی را دیدم که گاه یکی از ایشان می خواست برخیزد از بزرگی شکمش نمی توانست. از جبرئیل پرسیدم اینها چه کسانی اند؟ گفت: ربا خوارانند»

ارزیابی سندی: صحیح/ مسند

وسائل الشیعة، ج ۱۸، ص: ۱۲۴

۲۹. وَ عَنْ أَبِي عَمْرٍو الرُّبَيْرِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: إِنَّ التَّوْبَةَ مُطَهَّرَةٌ مِنْ دَنَسِ الْخَطِيئَةِ - قَالَ اللَّهُ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَ ذَرُّوا - مَا بَقِيَ مِنَ الرَّبَا إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ إِلَى قَوْلِهِ تَطْلُمُونَ - فَهَذَا مَا دَعَا اللَّهُ إِلَيْهِ عِبَادَهُ مِنَ التَّوْبَةِ - وَ وَعَدَ عَلَيْهِمْ مِنْ ثَوَابِهِ فَمَنْ خَالَفَ مَا أَمَرَهُ اللَّهُ بِهِ مِنَ التَّوْبَةِ - سَخَطَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَ كَانَتْ النَّارُ أَوْلَى بِهِ وَ أَحَقَّ.

توبه، آدمی را از آلودگی گناهان پاک می کند و اگر کسی از رباخواری توبه کند مالک سرمایه خود است نه مورد ظلم واقع می شود و نه ظلم می کند و این از سوی خدا دعوت به توبه است، اگر کسی توبه کند به ثواب وعده داده شده خدا دست می یابد و اگر کسی از دستور خداوند به توبه، مخالفت کند خدای سبحان بر او خشم می گیرد و آتش عذاب الهی برای او شایسته تر است



وسائل الشیعة، ج ۱۸، ص: ۱۲۵

۳۰. مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ عِدَّةٍ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ فَضَّالٍ عَنِ ابْنِ بُكَيْرٍ قَالَ: بَلَغَ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عِ
عَنْ رَجُلٍ أَنَّهُ كَانَ يَأْكُلُ الرَّبَا - وَ يُسَمِّيهِ اللَّبَّاءُ - فَقَالَ لَيْنُ أَمْكَنِي اللَّهُ مِنْهُ لَأَضْرِبَنَّ عُنُقَهُ.

به امام صادق (علیه السلام) خبر رسید که مردی رباخواری می کند و آن را «آغوز» می نامد. فرمود: «اگر خداوند، او را در اختیارم بگذارد، گردنش را خواهم زد.

ارزیابی سند: موثق/مسند

• مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۱۳، ص: ۳۳۱

۳۱. وَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص: لَمَّا أُسْرِيَ بِي إِلَى السَّمَاءِ رَأَيْتُ أَقْوَاماً يُرِيدُ أَحَدُهُمْ أَنْ يَقُومَ وَ لَا يَقْدِرُ عَلَيْهِ مِنْ عَظِيمِ بَطْنِهِ فَقُلْتُ مَنْ هَؤُلَاءِ يَا جَبْرَيْلُ قَالَ هَؤُلَاءِ الَّذِينَ يَأْكُلُونَ الرَّبَا ۗ يَقُومُونَ إِلَيَّ كَمَا يَقُومُ الَّذِي يَتَخَبَّطُهُ الشَّيْطَانُ مِنَ الْمَسِّ وَ إِذَا هُمْ بِسَبِيلِ آلِ فِرْعَوْنَ يُعْرَضُونَ عَلَى النَّارِ غُدُوًّا وَ عَشِيًّا يَقُولُونَ رَبَّنَا مَتَى تَقُومُ السَّاعَةُ

پیامبر اکرم - صلی الله علیه و آله و سلم - فرمود: «در شب معراج جماعتی را دیدم که گاه یکی از ایشان می خواست برخیزد از بزرگی شکمش نمی توانست. از جبرئیل پرسیدم اینها چه کسانی اند؟ گفت: ربا خواراند که روز قیامت بر نمی خیزند مگر مانند جن زده ها، ناگاه ایشان را بر سر راه آل فرعون دیدم که بامداد و شامگاه آتش بر ایشان عرضه داشته می شود و می گویند: خداوند! چه وقت قیامت بر پا می شود؟».

• الکافی ج : ۷ ص : ۲۴۲

۳۲. مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ عَنْ يَعْقُوبَ بْنِ يَزِيدَ عَنْ يَحْيَى بْنِ الْمُبَارَكِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَبَلَةَ عَنْ أَبِي جَمِيلَةَ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ وَ سَمَاعَةَ عَنْ أَبِي بصيرٍ قَالَ قُلْتُ أَكَلُ الرَّبَا بَعْدَ الْبَيْئَةِ قَالَ يُؤَدَّبُ فَإِنْ عَادَ أُدِّبَ فَإِنْ عَادَ قُتِلَ

ابو بصیر از امام صادق علیه السلام پرسید: حکم رباخوار بعد از روشن بودن حکم ربا برای وی چیست؟ حضرت فرمودند: تأدیب می شود و اگر (برای بار دوم) ربا گرفت باز تأدیب می شود و (برای بار سوم) اگر ربا گرفت، کشته می شود.

ارزیابی:ضعیف/موقوف



دسته چهارم: علت حرمت ربا

• وسائل الشیعة، ج ۱۸، ص: ۱۱۷

۳۳. وَ عَنْهُمْ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ عُثْمَانَ بْنِ عِيسَى عَنْ سَمَاعَةَ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عِ إِنِّي رَأَيْتُ اللَّهَ تَعَالَى قَدْ ذَكَرَ الرَّبَّاءَ فِي غَيْرِ آيَةٍ وَ كَرَّرَهُ قَالَ أَوْ تَدْرِي لِمَ ذَاكَ قُلْتُ لَأ- قَالَ لِيُنَالَا يَمْتَنِعَ النَّاسُ مِنْ اضْطِنَاعِ الْمَعْرُوفِ

خداوند متعال در آیات متعددی مسأله ربا را مطرح فرموده است. امام(علیه السلام) از سماعه پرسیدند: آیا علت آن را می دانی؟ سماعه عرض کرد: خیر. امام(علیه السلام) فرمودند: علت آن، این است که مردم از کارهای شایسته [و قرض الحسنه باز نمانند.

ارزیابی سندی: موثق/ مسند

۳۴. عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عِ قَالَ: إِنَّمَا حَرَّمَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ الرَّبَّاءَ- لِكَيْلَا يَمْتَنِعَ النَّاسُ مِنْ اضْطِنَاعِ الْمَعْرُوفِ.

همانا خداوند عزوجل ربا را تحریم کرد تا معروف از میان نرود.

ارزیابی سندی: صحیح / مسند

وسائل الشیعة، ج ۱۸، ص: ۱۲۰

۳۵. مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ بِإِسْنَادِهِ عَنْ هِشَامِ بْنِ الْحَكَمِ أَنَّهُ سَأَلَ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عِ عَنْ عِلَّةِ تَحْرِيمِ الرَّبَّاءِ- فَقَالَ إِنَّهُ لَوْ كَانَ الرَّبَّاءُ حَلَالًا- لَتَرَكَ النَّاسُ التَّجَارَاتِ وَ مَا يَخْتَاجُونَ إِلَيْهِ- فَحَرَّمَ اللَّهُ الرَّبَّاءَ لِتَنْفِرَ النَّاسُ مِنَ الْحَرَامِ إِلَى الْحَلَالِ- وَ إِلَى التَّجَارَاتِ مِنَ الْبَيْعِ وَ الشَّرَاءِ- فَيَبْقَى ذَلِكَ بَيْنَهُمْ فِي الْقَرْضِ.

«هشام بن حکم - که یکی از اصحاب معروف امام صادق (ع) است - از آنحضرت پرسید: چرا ربا حرام شده است؟ حضرت فرمودند: اگر رباخواری حلال بود مردم کارهای مفید تجاری و هر آنچه را که به آن احتیاج داشتند ترک می کردند؛ به همین جهت خداوند ربا را حرام کرد تا مردم از آن متنفر شوند و به سوی کارهای حلال و تلاشهای اقتصادی مفید بروند و وام فقط به صورت قرض الحسنه باقی بماند.»

ارزیابی سندی: صحیح/مسند

۳۶. وَ بِإِسْنَادِهِ عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عِ قَالَ: إِنَّمَا حَرَّمَ اللَّهُ الرَّبَّاءَ كَيْلَا يَمْتَنِعُوا مِنْ صَنَائِعِ الْمَعْرُوفِ.



پژوهشکده پولی و بانکی
بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران

همانا خداوند عزوجل ربا را تحریم کرد تا معروف از میان نرود.

ارزیابی سندی: صحیح/مسند

۳۷. وَ بِإِسْنَادِهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَطِيَّةَ عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ع قَالَ: إِنَّمَا حَرَّمَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ الرَّبَا لِنَلَّا يَذْهَبَ الْمَعْرُوفُ.

همانا خداوند عزوجل ربا را تحریم کرد تا معروف از میان نرود.

ارزیابی سند: صحیح / مسند

• الکافی (ط - الإسلامية)، ج ۵، ص: ۱۴۶

۳۸. عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: إِنَّمَا حَرَّمَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ الرَّبَا لِكَيْلَا يَمْتَنِعَ النَّاسُ مِنْ اصْطِنَاعِ الْمَعْرُوفِ

همانا خداوند عزوجل ربا را تحریم کرد تا معروف از میان نرود.

ارزیابی: صحیح/مسند

دسته پنجم: حرمت شهادت و کتابت ربا

• وسائل الشیعة، ج ۱۸، ص: ۱۲۶

۳۹. مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي نَجْرَانَ عَنْ عَاصِمِ بْنِ حُمَيْدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ قَيْسٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ع قَالَ: قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ع أَكَلُ الرَّبَا وَ مَوْكَلُهُ وَ كَاتِبُهُ وَ شَاهِدَاهُ فِيهِ سَوَاءٌ.

علی (علیه السلام) می فرماید: خورنده (گیرنده) ربا و کسی که ربا می دهد و کسی که شاهد و ناظر ربا است و کسی که نویسنده ربا است در اینکه کار حرام انجام می دهند، مساوی هستند.

وسائل الشیعة، ج ۱۸، ص: ۱۲۷

۴۰. مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بِإِسْنَادِهِ عَنْ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلْوَانَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ عَنْ زَيْدِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ آبَائِهِ عَنْ عَلِيٍّ ع قَالَ: لَعَنَ رَسُولُ اللَّهِ ص الرَّبَا وَ أَكَلَهُ - وَ بَائِعُهُ وَ مُشْتَرِيَهُ وَ كَاتِبَهُ وَ شَاهِدِيَهُ.



پژوهشکده پولی و بانکی
بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران

و امیر المؤمنین علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی اللّٰه علیه و آله لعن فرمودند ربا و خورنده ربا و خوراننده آن و فروشنده و مشتری آن و نویسنده قبض و شاهدانش را.

• من لا يحضره الفقيه؛ ج ۳، ص: ۲۷۴

۴۱. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص آكِلُ الرَّبَا وَ مُؤَكِّلُهُ وَ كَاتِبُهُ وَ شَاهِدَاهُ فِي الْوِزْرِ سَوَاءٌ

رسول خدا صلی اللّٰه علیه و آله فرمود: خورنده ربا و خوراننده آن و نویسنده قبض آن و شاهدانش در گناه یکسانند.

ارزیابی:ضعیف/موقوف

دسته ششم: ربا امری پیچیده

• بحار الأنوار، ج ۱۰۰، ص: ۱۱۵

۴۲. نَهَجُ الْبَلَاغَةِ، قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ع قَالَ النَّبِيُّ ص عِنْدَ ذِكْرِ أَهْلِ الْفِتْنَةِ فَيَسْتَحِلُّونَ الْخَمْرَ بِالتَّبِيدِ وَ السُّحْتِ بِالْهَدْيَةِ وَ الرَّبَا بِالْبَيْعِ

شراب را به اسم آب انگور و خرما، و رشوه را به عنوان هدیه، و ربا را به نام تجارت حلال دانند.»

بحار الأنوار، ج ۱۰۰، ص: ۱۱۷

۴۳. ضه، روضه الواعظین قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ع مَعَاشِرَ النَّاسِ الْفَقْهَ ثُمَّ الْمَتْجَرَ وَ اللَّهُ لِلرَّبَا فِي هَذِهِ الْأُمَّةِ أَخْفَى مِنْ دَبِيبِ النَّمْلِ عَلَى الصَّفَا

ای مردم! ابتدا احکام را یاد بگیرید، سپس تجارت کنید! به خدا قسم که ربا در میان این امت ناپیداتر از حرکت مورچه بر روی تخته سنگ است.



دسته هفتم: استثنائات ربا

- من لا يحضره الفقيه، ج ۳، ص: ۲۷۷

۴۴. وَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص لَيْسَ بَيْنَنَا وَبَيْنَ أَهْلِ حَرْبِنَا رَبًّا نَأْخُذُ مِنْهُمْ وَلَا نَعْطِيهِمْ

بین ما و دشمنانمان، ربا (حرام) نیست، از آنان هزاران درهم در مقابل یک درهم می گیریم آری، از آنان ربا می گیریم و به آنان ربا نمی دهیم

۴۵. وَقَالَ ع لَيْسَ بَيْنَ الرَّجُلِ وَبَيْنَ وَلَدِهِ رَبًّا وَلَا بَيْنَ السَّيِّدِ وَبَيْنَ عَبْدِهِ رَبًّا

امام صادق علیه السلام فرمود: میان پدر و فرزند ربا نیست، و میان مولا و بنده نیز ربا نیست

- من لا يحضره الفقيه، ج ۳، ص: ۲۷۸

۴۶. وَقَالَ الصَّادِقُ ع لَيْسَ بَيْنَ الْمُسْلِمِ وَبَيْنَ الذَّمِّيِّ رَبًّا وَلَا بَيْنَ الْمَرْأَةِ وَبَيْنَ زَوْجِهَا رَبًّا

امام صادق علیه السلام فرمود: میان مسلمان و اهل ذمه ربا نیست و میان مرد و همسرش نیز ربا نیست.

ارزیابی:ضعیف/مرفوع

- من لا يحضره الفقيه ج : ۳ ص : ۲۸۱

۴۷. وَ سَأَلَ عَلِيُّ بْنُ جَعْفَرٍ أَخَاهُ مُوسَى بْنَ جَعْفَرٍ ع عَنْ رَجُلٍ أُعْطِيَ عَبْدَهُ عَشْرَةَ دَرَاهِمٍ عَلَى أَنْ يُؤَدِّيَ الْعَبْدُ كُلَّ شَهْرٍ عَشْرَةَ دَرَاهِمٍ أَيْحِلُّ ذَلِكَ قَالَ لَا بَأْسَ

و علی بن جعفر از برادرش موسی بن جعفر علیهما السلام پرسید:مردی ده درهم به غلامش می دهد (که او آزادانه به کسب پردازد) و هر ماه ده درهم به مولایش بدهد. آیا این حلال است؟ فرمود: اشکالی ندارد.

ارزیابی:صحیح/مسند

- وسائل الشیعة، ج ۱۸، ص: ۱۳۵

۴۸. وَ بِهَذَا الْإِسْنَادِ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص لَيْسَ بَيْنَنَا وَبَيْنَ أَهْلِ حَرْبِنَا رَبًّا- نَأْخُذُ مِنْهُمْ أَلْفَ دَرَاهِمٍ بِدَرَاهِمٍ وَ نَأْخُذُ مِنْهُمْ وَ لَا نَعْطِيهِمْ.



پژوهشکده پولی و بانکی
بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران

بین ما و دشمنانمان، ربا (حرام) نیست، از آنان هزاران درهم در مقابل یک درهم می‌گیریم آری، از آنان ربا می‌گیریم و به آنان ربا نمی‌دهیم.

ارزیابی: ضعیف/مسند

وسائل الشیعة، ج ۱۸، ص: ۱۳۶

۴۹. مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ قَالَ: قَالَ الصَّادِقُ ع لَيْسَ بَيْنَ الْمُسْلِمِ وَ بَيْنَ الدِّمِيِّ رَبًّا - وَ لَا بَيْنَ الْمَرْأَةِ وَ بَيْنَ زَوْجِهَا رَبًّا.

امام صادق ع فرمودند: بین مسلمان و کافر ذمی و همچنین بین زن و شوهرش ربا وجود ندارد.

ارزیابی: ضعیف/مرفوع

• الکافی (ط - الإسلامية)، ج ۵، ص: ۱۴۷

۵۰. حَمِيدُ بْنُ زِيَادٍ عَنِ الْخَشَّابِ عَنِ ابْنِ بَقَّاحٍ عَنِ مُعَاذِ بْنِ ثَابِتٍ عَنِ عَمْرِو بْنِ جُمَيْعٍ عَنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ع لَيْسَ بَيْنَ الرَّجُلِ وَ وَدِّهِ رَبًّا وَ لَيْسَ بَيْنَ السَّيِّدِ وَ عَبْدِهِ رَبًّا

امیر المومنین فرمودند بین مرد و فرزندش و بین مولا و عبد ربا وجود ندارد.

ارزیابی: ضعیف/مسند



دسته هشتم: حکم جهل به ربا، توبه و ارث بردن

• وسائل الشیعه ج: ۱۸ ص: ۱۲۴

۵۱. وَ عَنْ أَبِي عَمْرٍو الرِّبْرِیِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ إِنَّ التَّوْبَةَ مُطَهَّرَةٌ مِنْ دَنَسِ الْخَطِيئَةِ قَالَ اللَّهُ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَ ذُرُوا مَا بَقِيَ مِنَ الرِّبَا إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ (البقره - ۲۷۸) - إِلَى قَوْلِهِ تَطْلُمُونَ (البقره - ۲۷۹) - فَهَذَا مَا دَعَا اللَّهُ إِلَيْهِ عِبَادَهُ مِنَ التَّوْبَةِ وَ وَعَدَ عَلَيْهَا مِنْ تَوَابِهِ فَمَنْ خَالَفَ مَا أَمَرَهُ اللَّهُ بِهِ مِنَ التَّوْبَةِ سَخِطَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَ كَانَتْ النَّارُ أَوْلَىٰ بِهِ وَ أَحَقَّ

در حقیقت توبه، آدمی را از آلودگی گناهان پاک می کند و اگر کسی از رباخواری توبه کند مالک سرمایه خود است نه مورد ظلم واقع می شود و نه ظلم می کند و این از سوی خدا دعوت به توبه است، اگر کسی توبه کند به ثواب وعده داده شده خدا دست می یابد و اگر کسی از دستور خداوند به توبه، مخالفت کند خدای سبحان بر او خشم می گیرد و آتش عذاب الهی برای او شایسته تر است

ارزیابی سند: ضعیف/مرفوع

• من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص: ۲۷۵

۵۲. وَ قَالَ ع كُلُّ رِبَا أَكَلَهُ النَّاسُ بِجَهَالَةٍ ثُمَّ تَابُوا فَإِنَّهُ يُقْبَلُ مِنْهُمْ إِذَا عُرِفَتْ مِنْهُمْ التَّوْبَةُ وَ قَالَ ع لَوْ أَنَّ رَجُلًا وَرَثَ مِنْ أَبِيهِ مَالًا وَ قَدْ عَلِمَ أَنَّ فِي ذَلِكَ الْمَالِ رِبَاً وَ لَكِنْ قَدْ اخْتَلَطَ فِي التَّجَارَةِ بَعِيْرَهُ فَإِنَّهُ لَهُ حَلَالٌ طَيِّبٌ فَلْيَأْكُلْهُ وَ إِنْ عَرَفَ مِنْهُ شَيْئاً مَعْرُوْلاً أَنَّهُ رِبَاً فَلْيَأْخُذْ رَأْسَ مَالِهِ وَ لِيَرُدَّ الرِّبَا

فرمود: هر ربا که مردم از روی جهل بموضوع خورده باشند سپس توبه کنند آن توبه مورد قبول است اگر توبه واقعی از آنها دیدی. و فرمود: اگر شخصی از پدرش مالی را ارث برده که می داند در آن ربا بوده است ولی در کسب و تجارت با هم آمیخته و مشخص نیست، آن بر او حلال و پاک است و می تواند از آن استفاده کند، و چنانچه چیزی از آن مال ربوی را به عینه می شناسد که جدا گذاشته و مخلوط نشده است باید سرمایه را از آن بردارد و ربای آن را بازگرداند.

ارزیابی: ضعیف/مرفوع

• من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص: ۲۷۶

۵۳. وَ قَالَ ع أَيُّمَا رَجُلٍ أَدَارَ مَالًا كَثِيْرًا قَدْ أَكْثَرَ فِيهِ مِنَ الرِّبَا فَجَهَلَ ذَلِكَ ثُمَّ عَرَفَهُ بَعْدَ فَأَرَادَ أَنْ يَنْزِعَ ذَلِكَ مِنْهُ فَمَا مَضَىٰ فَلَهُ وَ يَدْعُهُ فِيمَا يَسْتَأْنِفُ



فرمود: هر کس مال بسیاری از راهی بدست آورده که در آن ربا زیاد بوده ولی او نمی‌دانسته و بعد متوجه شده است و تصمیم گرفته که از آن دست‌کشد، پس آنچه تاکنون عمل کرده همه از آن اوست و در آینده آن معاملات که در آن رباست رها کند.

ارزیابی:ضعیف/مرفوع

من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص: ۲۷۷

۵۴. وَ قَالَ عَ أَتَى رَجُلٌ إِلَى أَبِي جَعْفَرٍ ع فَقَالَ إِنِّي وَرِثْتُ مَالًا وَ قَدْ عَلِمْتُ أَنَّ صَاحِبَهُ الَّذِي وَرِثْتُهُ مِنْهُ قَدْ كَانَ يُرْبِي وَ قَدْ أَعْرِفُ أَنَّ فِيهِ رَبًّا وَ اسْتَيْقِنُ ذَلِكَ وَ لَيْسَ يَطِيبُ لِي حَلَالُهُ لِحَالِ عِلْمِي فِيهِ وَ قَدْ سَأَلْتُ فَفُهِمْتُ أَهْلَ الْعِرَاقِ وَ أَهْلَ الْحِجَازِ فَقَالُوا لَا يَجِلُّ لَكَ أَكْلُهُ مِنْ أَجْلِ مَا فِيهِ فَقَالَ لَهُ أَبُو جَعْفَرٍ ع إِنْ كُنْتَ تَعْلَمُ أَنَّ فِيهِ مَالًا مَعْرُوفًا رَبًّا وَ تَعْرِفُ أَهْلَهُ فَخُذْ رَأْسَ مَالِكَ وَ رُدِّ مَا سِوَى ذَلِكَ وَ إِنْ كَانَ مُخْتَلِطًا فَكُلْهُ هَنِيئًا مَرِيئًا فَإِنَّ الْمَالَ مَالِكَ وَ اجْتَنِبْ مَا كَانَ يَصْنَعُ صَاحِبُهُ فَإِنَّ رَسُولَ اللَّهِ ص قَدْ وَضَعَ مَا مَضَى مِنَ الرَّبَا وَ حَرَّمَ مَا بَقِيَ فَمَنْ جَهَلَهُ وَسِعَهُ جَهْلُهُ حَتَّى يَعْرِفَهُ فَإِذَا عَرَفَ تَحْرِيمَهُ حَرَّمَ عَلَيْهِ وَ وَجَبَ عَلَيْهِ فِيهِ الْعُقُوبَةُ إِذَا رَكِبَهُ كَمَا يَجِبُ عَلَى مَنْ يَأْكُلُ الرَّبَا

فرمود: مردی نزد امام باقر علیه السلام آمد و عرض کرد: من مالی به میراث برده‌ام و می‌دانم کسی که از او ارث برده‌ام معاملات ربوی می‌کرد و من خود آشنایم که در آن بطور یقین ربا هست و دلم به حلال آن راضی نمی‌شود بخاطر آنکه علم به آن دارم و از فقهاء عراق و اهل حجاز سؤال کرده‌ام، و گفته‌اند هیچ چیز آن بر تو مباح نیست از آن جهت که مخلوط به ربا است، امام باقر علیه السلام فرمود: اگر می‌شناسی مالی را که مربوط به معامله ربوی است پس سرمایه را از آن بگیر و بقیه را به صاحبش بازگردان، ولی اگر مالی را بخصوص ربا یا ربوی نمی‌شناسی پس آن را تصرف کن که بر تو گوارا و حلال است و همه مال، مال توست و از عملی که صاحب آن مال انجام می‌داده است تو بپرهیز، زیرا رسول خدا صلی اللہ علیہ و آلہ آنچه را که قبل از آمدن حکم ربا از راه ربا بدست آورده بودند رها کرد و آنچه از آن به بعد از راه ربا بدست می‌آورند حرام فرمود، پس هر کس جاهل بود به اینکه این عمل ربا است آزاد است تا زمانی که بداند (در حکم مانند آنانست که پیش از آمدن حکم حرمت ربا معاملات ربوی می‌کردند) و چون دانست که این معامله ربوی است دیگر حق ندارد انجام دهد و بر او حرام است و اگر عمل کرد و مرتکب آن شد عقوبت بر او واجب می‌شود همچنان که برخوردنده ربا. (یعنی حکمش همان حکم رباخوار است).

ارزیابی:ضعیف/مرفوع

• تهذیب الأحکام ج: ۷ ص: ۱۶

۵۵. عَنْهُ عَنِ ابْنِ أَبِي عَمِيرٍ عَنْ أَبِي أَيُّوبَ «عَلَى الْخَرَّازِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ دَخَلَ رَجُلٌ عَلَى أَبِي جَعْفَرٍ ع مِنْ أَهْلِ خُرَّاسَانَ قَدْ عَمِلَ بِالرَّبَا حَتَّى كَثُرَ مَالُهُ ثُمَّ إِنَّهُ سَأَلَ الْفُقَهَاءَ فَقَالُوا لَيْسَ يُقْبَلُ مِنْكَ شَيْءٌ إِلَّا أَنْ تَرُدَّهُ إِلَى أَصْحَابِهِ



فَجَاءَ إِلَى أَبِي جَعْفَرٍ ع فَقَصَّ عَلَيْهِ قِصَّتَهُ فَقَالَ لَهُ أَبُو جَعْفَرٍ ع مَخْرَجَكَ مِنْ كِتَابِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ فَمَنْ جَاءَهُ مَوْعِظَةٌ مِنْ رَبِّهِ فَاَنْتَهَى فَلَهُ مَا سَلَفَ وَ أَمْرُهُ إِلَى اللَّهِ (البقرة - : ۲۷۵ -) وَ الْمَوْعِظَةُ التَّوْبَةُ

مردی ربا خوار از اهل خراسان که در اثر ربا خواری اموال زیادی گرد آوری کرده بود، بر امام باقر(ع) وارد شد. او قبل از آن از فقها در مورد وظیفه اش سوال کرده بود و آنها در پاسخ گفته بودند چیزی از تو قبول نمی شود تا این که اموال را به صاحبانشان برگردانی. اما وقتی نزد امام باقر(ع) آمد و ماجرای خود را تعریف کرد، امام فرمود: این آیه از قرآن نجاتبخش توست: «فمن جاءه موعظة من ربه فانتهى فله ما سلف و امره الى الله». موعظه، همان توبه است.

ارزیابی: صحیح/مسند

• الکافی ج : ۵ ص : ۱۵۴

۵۶. مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَنْ طَلْحَةَ بْنِ زَيْدٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ مَنْ اتَّجَرَ بغيرِ عِلْمٍ ارْتَضَمَ فِي الرِّبَا ثُمَّ ارْتَضَمَ قَالَ وَ كَانَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ع يَقُولُ لَا يَفْعُدَنَّ فِي السُّوقِ إِلَّا مَنْ يَعْقِلُ الشَّرَاءَ وَ الْبَيْعَ

امیر مؤمنان علیه السلام فرمود: هر کس بدون اینکه احکام شرعی تجارت را بدانند به تجارت مشغول شود در ربا فرو رود و باز فرو رود (یعنی پیاپی گرفتار شود) پس به داد و ستد در بازار ننشینند مگر کسی که خرید و فروش را بداند (یعنی احکام آن را).

ارزیابی: موثق/مسند

الکافی ج : ۷ ص : ۲۴۸

۵۷. عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيْسَى بْنِ عَبِيدٍ عَنْ يُونُسَ عَنْ أَبِي أَيُّوبَ «عَنِ الْخَرَّازِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَتْ لَأَبِي جَعْفَرٍ ع رَجُلٌ دَعَوْنَاهُ إِلَى جُمْلَةٍ مَا نَحْنُ عَلَيْهِ مِنْ جُمْلَةِ الْإِسْلَامِ فَأَقْرَبَهُ ثُمَّ شَرِبَ الْخَمْرَ وَ رَزَى وَ أَكَلَ الرِّبَا وَ لَمْ يَتَّبِعْ لَهُ شَيْءٌ مِنَ الْحَلَالِ وَ الْحَرَامِ أَقِيمَ عَلَيْهِ الْحَدُّ إِذَا جَهَلَهُ قَالَ لَا إِلَّا أَنْ تَقُومَ عَلَيْهِ بَيْنَةٌ أَنَّهُ قَدْ كَانَ أَقْرَبَ بِتَحْرِيمِهَا

مردی است که او را به صورت کلی به اسلام دعوت نمودیم و وی بدان ایمان آورد ولی پس از آن مرتکب شرب خمر، زنا و رباخواری شده است، در حالی که از احکام و حلال و حرام الهی هیچ اطلاعی نداشته است. آیا با وجود جهل به حکم مجازات می شود؟ امام فرمود: خیر مگر اینکه بینه ای اقامه شود که نامبرده به حرمت این اعمال اقرار داشته است.

ارزیابی: صحیح/مسند



دسته نهم: تعریف ربا

• وسائل الشیعة؛ ج ۱۷، ص: ۴۴۷

۵۸. مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ بِإِسْنَادِهِ عَنْ عُمَرَ بْنِ يَزِيدَ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع جُعِلَتْ فِدَاكَ إِنَّ النَّاسَ يَزْعُمُونَ - أَنْ الرِّبْحَ عَلَى الْمُضْطَرِّ حَرَامٌ وَ هُوَ مِنَ الرِّبَا - قَالَ وَ هَلْ رَأَيْتَ أَحَدًا يَشْتَرِي - غَنِيًّا أَوْ فَقِيرًا إِلَّا مِنْ ضَرُورَةٍ - يَا عُمَرُ قَدْ أَحَلَّ اللَّهُ البَيْعَ وَ حَرَّمَ الرِّبَا - فَارْبِحْ وَ لَا تُرْبِهْ «۶» - قُلْتُ وَ مَا الرِّبَا - قَالَ دَرَاهِمٌ بِدَرَاهِمٍ مِثْلِينَ بِمِثْلِ

عمر بن یزید گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: قربانت گردم مردم فکر می کنند که از شخص مضطر سود گرفتن در معاملات حرام است، و در حکم رباست، فرمود: آیا کسی را دیده ای چه فقیر چه ثروتمند، چیزی بخرد مگر بضرورت؟ ای عمر برآستی که خداوند داد و ستد را مباح دانسته و ربا را حرام کرده است، در معاملات سود بگیر و ربا مگیر، پرسیدم ربا کدام است؟ فرمود: درهما در مقابل درهما و دو در مقابل یکی، داد و ستد کردن.

وسائل الشیعة، ج ۱۸، ص: ۱۳۷

۵۹. عَلِيُّ بْنُ جَعْفَرٍ فِي كِتَابِهِ عَنْ أَخِيهِ ع مِثْلَهُ وَ زَادَ قَالَ وَ سَأَلْتُهُ عَنْ رَجُلٍ أُعْطِيَ رَجُلًا مِائَةَ دِرْهَمٍ يَعْمَلُ بِهَا - عَلَى أَنْ يُعْطِيَهُ خَمْسَةَ دَرَاهِمٍ أَوْ أَقْلَ أَوْ أَكْثَرَ - هَلْ يَحِلُّ ذَلِكَ قَالَ لَا هَذَا الرِّبَا مَحْضًا.

علی بن جعفر از برادرش حضرت موسی بن جعفر (علیه السلام) نقل می کند که از حضرت درباره مردی پرسیدم که به دیگری صد درهم قرض می دهند تا با آن کار کند و باوی شرط می کند ۵ درهم یا کمتر یا بیشتر به او بپردازد. آیا این حلال است؟ امام فرمود: «این همان ربای محض است»
ارزیابی: صحیح/مسند

وسائل الشیعة ج : ۱۸ ص : ۱۶۰

۶۰. عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ فِي تَفْسِيرِهِ عَنْ أَبِيهِ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْمُنْقَرِيِّ عَنِ حَفْصِ بْنِ غِيَاثٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: الرِّبَا رِبَاٌ أَنْ أَحَدُهُمَا رِبَاٌ حَلَالٌ وَ الْآخَرُ حَرَامٌ - فَأَمَّا الْحَلَالُ فَهُوَ أَنْ يُقْرِضَ الرَّجُلُ قَرْضًا طَمَعًا أَنْ يَزِيدَهُ - وَ يُعْوِضَهُ بِأَكْثَرٍ مِمَّا أَخَذَهُ بِلَا شَرْطٍ بَيْنَهُمَا - فَإِنْ أُعْطَاهُ أَكْثَرَ مِمَّا أَخَذَهُ بِلَا شَرْطٍ بَيْنَهُمَا فَهُوَ مُبَاحٌ لَهُ - وَ لَيْسَ لَهُ عِنْدَ اللَّهِ ثَوَابٌ فِيمَا أَقْرَضَهُ - وَ هُوَ قَوْلُهُ عَزَّ وَ جَلَّ قُلْ إِيْرُبُوا عِنْدَ اللَّهِ «۱» - وَ أَمَّا الرِّبَا الْحَرَامُ فَهُوَ الرَّجُلُ يُقْرِضُ قَرْضًا - وَ يَشْتَرِطُ أَنْ يَرُدَّ أَكْثَرَ مِمَّا أَخَذَهُ فَهَذَا هُوَ الْحَرَامُ.



حفص بن غیاث از امام صادق(ع) نقل می‌کند که فرمود: ربا دو گونه است: حلال و حرام. ربای حلال آن است که شخص قرض دهد بدان امید که زیادتر به وی برگرداند بدون آن که شرطی میان آن‌ها باشد. در این صورت، اگر بیشتر به وی برگرداند، در حالی که شرطی میان آنان نیست، مباح است و این قرض نزد خداوند ثوابی ندارد، و این همان است که خداوند عزوجل در قرآن فرمود: «نزد خداوند زیاد نمی‌شود»، اما ربای حرام آن است که قرض دهد و شرط کند بیشتر از آنچه قرض داده برگردانده شود. این ربا حرام است.

ارزیابی:ضعیف/مسند

- جامع احادیث الشیعه، ج ۲۳، ص: ۵۰۴

۶۱. العوالی ۲ / ۱۳۷: قال النبی صلی الله علیه و آله الا این کلّ ربا فی الجاهلیّۃ موضوع وأول ربا أضعه ربا العباس

- من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص: ۲۷۸

۶۲. وَ رَوَى عَنْ عُمَرَ بْنِ یَزِيدَ بَیَّاعِ السَّابِرِیِّ قَالَ قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع جُعِلَتْ فِدَاكَ إِنَّ النَّاسَ یَزْعُمُونَ أَنَّ الرِّبْحَ عَلَی الْمُضْطَرِّ حَرَامٌ وَ هُوَ مِنَ الرِّبَا فَقَالَ وَ هَلْ رَأَيْتَ أَحَدًا اشْتَرَى غَنَبًا أَوْ فَقِيرًا إِلَّا مِنْ ضَرُورَةٍ یَا عُمَرُ قَدْ أَحَلَّ اللّٰهُ الْبَیْعَ وَ حَرَّمَ الرِّبَا فَارْبِحْ وَ لَا تُرْبِهْ قُلْتُ وَ مَا الرِّبَا قَالَ دَرَاهِمٌ بِدَرَاهِمٍ مِثْلَانِ بِمِثْلِ

عمر بن یزید گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: قربانت کردم مردم فکر می‌کنند که از شخص مضطر سود گرفتن در معاملات حرام است، و در حکم رباست، فرمود: آیا کسی را دیده‌ای چه فقیر چه ثروتمند، چیزی بخرد مگر بضرورت؟ ای عمر برستی که خداوند داد و ستد را مباح دانسته و ربا را حرام کرده است، در معاملات سود بگیر و ربا مگیر، پرسیدم ربا کدام است؟ فرمود: درهمها در مقابل درهمها و دو در مقابل یکی، داد و ستد کردن.

من لا یحضره الفقیه ج : ۳ ص : ۲۸۵

۶۳. وَ سَأَلَ یَعْقُوبُ بْنُ شَعِیْبٍ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع عَنِ الرَّجُلِ یُفْرَضُ الرَّجُلَ الدَّرَاهِمَ الْعِلَّةَ فِیَأْخُذُ مِنْهُ الدَّرَاهِمَ الطَّازِجِیَّةَ طَیِّبَةً بِهَا نَفْسُهُ فَقَالَ لَا بَأْسَ بِهِ وَ ذُكِرَ ذَلِكَ عَنْ عَلِيٍّ ع وَ الرَّبَا رِبَاً یُؤْکَلُ وَ رَبَاً لَا یُؤْکَلُ فَأَمَّا الَّذِی یُؤْکَلُ فَهُوَ هَدِیَّتُكَ إِلَى الرَّجُلِ تُرِيدُ التَّوَابَ أَفْضَلَ مِنْهَا وَ ذَلِكَ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ مَا آتَيْتُمْ مِنْ رَبَاً لَیْرُبُوا فِی أَمْوَالِ النَّاسِ فَلَا یُرَبُّوا عِنْدَ اللَّهِ (الروم :- ۳۹) - وَ أَمَّا الَّذِی لَا یُؤْکَلُ فَهُوَ أَنْ یَدْفَعَ الرَّجُلُ إِلَى الرَّجُلِ عَشْرَةَ دَرَاهِمٍ عَلَی أَنْ یَرُدَّ عَلَیْهِ أَكْثَرَ مِنْهَا فَهَذَا الرِّبَا الَّذِی نَهَى اللَّهُ عَنْهُ فَقَالَ یَا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَ ذَرُوا مَا بَقِيَ مِنَ الرِّبَا إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِینَ فَإِنْ لَمْ تَفْعَلُوا فَأْذَنُوا بِحَرْبٍ مِنَ اللَّهِ وَ رَسُولِهِ وَ إِنْ تُبْتُمْ فَلَكُمْ رُؤُوسُ أَمْوَالِكُمْ لَا تَظْلِمُونَ وَ لَا تُظْلَمُونَ (البقرة :- ۲۷۸) - عَنِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ أَنْ یَرُدَّ أَكِلَ الرِّبَا الْفَضْلَ الَّذِی أَخَذَهُ عَنْ رَأْسِ مَالِهِ حَتَّى اللَّحْمُ الَّذِی عَلَی بَدَنِهِ مِمَّا حَمَلَهُ مِنَ الرِّبَا عَلَیْهِ أَنْ یَضَعَهُ فَإِذَا وَفَّقَ لِلتَّوْبَةِ أَدْمَنَ دُخُولَ الْحَمَامِ لِنِقْصِ لَحْمِهِ عَنْ بَدَنِهِ وَ إِذَا قَالَ الرَّجُلُ لِصَاحِبِهِ عَاوِضْنِی



بِفَرَسِي فَرَسَكٍ وَ اَزِيدَكَ فَلَا يَصْلُحُ وَ لَا يَجُوزُ ذَلِكَ وَ لَكِنَّهُ يَقُولُ اُعْطِنِي فَرَسَكَ بِكَذَا وَ كَذَا وَ اُعْطِيكَ فَرَسِي بِكَذَا وَ كَذَا

يعقوب بن شعيب از امام صادق عليه السلام پرسید: شخصی به کسی پولی قرض می‌دهد که درهم سائیده و ناسالم است، و هنگام باز گرفتن درهم‌های تازه و نو می‌ستاند و بدهکار با کمال رضایت و بدخواه می‌پردازد، صحیح است؟ فرمود: اشکالی ندارد، و این را از امیر المؤمنین عليه السلام نقل کرد. و ربا بر دو قسم است یک قسم جایز و قسم دیگر حرام، و اما آنچه خوردنش حلال است آن هدیه‌ای است که تو خود به طلبکار می‌دهی و جزای آن را بهتر از آن توقع داری و این همان گفتار خداوند است که می‌فرماید: «و آنچه را شما به رسم هدیه بتوقع منفعت دنیوی داده‌اید که اموال مردم را بیفزائید آن نزد خداوند نیفزاید- روم: ۳۹» و اما آن ربائی که خوردنی نیست (و حرام است) پس آنست که شخصی به دیگری ده درهم وام دهد که او پس از مدتی بیش از ده درهم باز گرداند و این ربائیت است که خداوند نهی فرموده و گفته است: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید از خداوند پروا کنید و رها کنید آنچه زیادی بر سرمایه شماست اگر براستی اهل ایمانید، و اگر ترک ربا خواری نکردید پس با خدا و پیامبرش اعلان جنگ دهید، و چنانچه توبه کردید پس همان رأس مال اولیّه (که به بقرض داده‌اید) از آن شماست و در این صورت نه ستم کرده‌اید و نه بشما ستم شده است» (بقره: ۲۷۹) خداوند عزیز این را می‌خواهد که آنچه افزون از سرمایه گرفته است بصاحبش باز پس دهد، تا حدی که گوشتی که از غذای تهیه شده از مال ربوی روئیده آب شود به اینکه وقتی موفق به توبه گردید بسیار حتمّام رود تا گوشت بدنش نقصان یابد (یعنی کاری کند که وزنش سبک گردد). و هر گاه شخصی به دیگری گوید: اسبت را با اسب من عوض کن و فلان مبلغ اضافه می‌دهم، جایز نیست. بلکه بگوید: اسبم را به فلان مبلغ می‌فروشم و اسب تو را به فلان مبلغ می‌خرم.

ارزیابی: صحیح/مسند



دسته دهم: جواز دریافت ربا بدون شرط

• وسائل الشیعة؛ ج ۱۸، ص: ۱۹۰

۶۴. مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ عِدَّةٍ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى عَنْ يَحْيَى بْنِ الْحَجَّاجِ عَنْ خَالِدِ بْنِ الْحَجَّاجِ قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الرَّجُلِ كَانَتْ لِي عَلَيْهِ مِائَةٌ دِرْهَمٍ عَدَدًا - فَضَانِيهَا مِائَةٌ وَزَنًّا قَالَ لَا بَأْسَ مَا لَمْ يَشْتَرِطْ قَالَ - وَ قَالَ جَاءَ الرَّبَا مِنْ قِبَلِ الشَّرْطِ - إِنَّمَا يُفْسِدُهُ الشَّرْطُ.

«از امام علیه السلام سؤال کردم که من یکصد درهم به طور شمارش عددی از کسی طلب داشتم، ولی او یکصد درهم به حساب وزن به من داد (گاه درهمها وزنش کمتر از معمول بود، بنابراین کسی که مطابق وزن دین خود را ادا می‌کرد، چیزی بیشتر از مقداری که گرفته بود می‌داد) امام علیه السلام فرمود: «ضرری ندارد» سپس افزود: ربا بخاطر شرط سود در متن قرارداد به وجود می‌آید و شرط آن را فاسد می‌کند!»

ارزیابی: صحیح/مسند

وسائل الشیعة، ج ۱۸، ص: ۱۹۱

۶۵. وَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَّادِ بْنِ الْحَلْبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الرَّجُلِ يَسْتَنْقِضُ الدَّرَاهِمَ الْبَيْضَ عَدَدًا - ثُمَّ يُعْطِي سُودًا وَزَنًّا وَ قَدْ عَرَفَ أَنَّهَا أَثْقَلُ مِمَّا أَحَدًا - وَ تَطْيِيبُ نَفْسُهُ أَنْ يَجْعَلَ لَهُ فَضْلَهَا - فَقَالَ لَا بَأْسَ بِهِ إِذَا لَمْ يَكُنْ فِيهِ شَرْطٌ - وَ لَوْ وَهَبَهَا لَهُ كُلَّهَا صَلَحَ

حلبی گوید: از امام ششم علیه السلام سؤال کردم مردی مبلغی درهم (نقره مسکوک سفید) از شخصی وام می‌گیرد با شماره معین، و چون قرض خود را می‌پردازد درهم سیاه هم وزن می‌دهد و می‌داند که آنچه می‌دهد وزنش بیشتر است از آنچه گرفته، و این کار را به طیب نفس و بدخواه خود می‌کند و نظر دارد که به قرض دهنده سودی برساند، امام فرمود: اشکالی ندارد در صورتی که شرطی در میان نباشد و اگر همه را به او ببخشد درست است.

ارزیابی: صحیح/مسند

وسائل الشیعة، ج ۱۸، ص: ۱۹۱



۶۶. وَ بِهِذَا الْإِسْنَادِ عَنِ الْحَلْبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: إِذَا أَفْرَضْتَ الدَّرَاهِمَ ثُمَّ أَتَاكَ بِخَيْرٍ مِنْهَا - فَلَا بَأْسَ إِذَا لَمْ يَكُنْ بَيْنَكُمَا شَرْطٌ.^۳

«هرگاه پولهای نقره‌ای (درهم) را وام دادی و بهتر از آن را برای تو آورد، حرام نیست به شرط این که قراردادی روی این کار در میان نباشد»

ارزیابی: صحیح/مسند

وسائل الشیعة، ج ۱۸، ص: ۱۹۲

۶۷. وَ عَنْ عِدَّةٍ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ وَ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ جَمِيعاً عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ خَالِدِ بْنِ جَرِيرٍ عَنْ أَبِي الرَّبِيعِ قَالَ: سَأَلَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع عَنْ رَجُلٍ أَفْرَضَ رَجُلًا دَرَاهِمَ - فَرَدَّ عَلَيْهِ أَجُودَ مِنْهَا بِطَيِّبَةٍ نَفْسِهِ - وَ قَدْ عَلِمَ الْمُسْتَقْرِضُ وَ الْفَارِضُ - أَنَّهُ إِنَّمَا أَفْرَضَهُ لِيُعْطِيَهُ أَجُودَ مِنْهَا - قَالَ لَا بَأْسَ إِذَا طَابَتْ نَفْسُ الْمُسْتَقْرِضِ.

«مردی به دیگری تعدادی درهم وام داده و او بهتر از آن را با میل خود به وی باز می‌گرداند و هر دو می‌دانند که به خاطر همین وام داده که بهتر از آن را بازگرداند؟ فرمود: اگر وام‌گیرنده با میل خود (بدون شرط) این کار را می‌کند مانعی ندارد.»

ارزیابی: صحیح/مسند

۶۸. وَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ صَفْوَانَ عَنْ يَعْقُوبَ بْنِ شَعِيبٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع عَنِ الرَّجُلِ يُقْرِضُ الرَّجُلَ - الدَّرَاهِمَ الْعِلَّةَ فَيَأْخُذُ مِنْهَا الدَّرَاهِمَ الطَّارِجِيَّةَ - طَيِّبَةً بِهَا نَفْسُهُ فَقَالَ لَا بَأْسَ

يعقوب بن شعيب از امام صادق عليه السلام پرسید: شخصی به کسی پولی قرض می‌دهد که درهم سائیده و ناسالم است، و هنگام باز گرفتن درهم‌های تازه و نو می‌ستاند و بدهکار با کمال رضایت و بدخواه می‌پردازد، صحیح است؟ فرمود: اشکالی ندارد، و این را از امیر المؤمنین علیه السلام نقل کرد.

ارزیابی: صحیح/مسند

^۳ الکافی (ط - الإسلامیة)، ج ۵، ص: ۲۵۴ ارزیابی: صحیح/مسند



۶۹. وَ عَنْهُ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ فَضَّالٍ عَنْ يُونُسَ بْنِ يَعْقُوبَ عَنْ أَبِي مَرْيَمَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ ص كَانَ يَكُونُ عَلَيْهِ الشَّيْءُ فَيُعْطَى الرَّبَّاعَ.

أبی‌مریم از امام صادق(ع) نقل می‌کند که فرمود: هر وقت بر عهده پیامبر شتر دوساله‌ای بود، شتر چهارساله عطا می‌کرد [= چون شرط زیاده نشده بود، بهتر از آنچه قرض کرده بود، می‌پرداخت].

ارزیابی: موثق/مسند

وسائل الشیعه، ج ۱۸، ص: ۱۹۳

۷۰. وَ عَنْ أَبِي عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ وَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شاذَانَ جَمِيعاً عَنْ صَفْوَانَ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ الْحَجَّاجِ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع عَنِ الرَّجُلِ يَقْتَرِضُ مِنَ الرَّجُلِ - الدَّرْهَمَ فَيَرُدُّ عَلَيْهِ الْمِثْقَالَ - وَ يَسْتَقْرِضُ الْمِثْقَالَ فَيَرُدُّ عَلَيْهِ الدَّرْهَمَ - فَقَالَ إِذَا لَمْ يَكُنْ شَرْطاً فَلَا بَأْسَ - وَ ذَلِكَ هُوَ الْفَضْلُ - إِنَّ أَبِي ع كَانَ يَسْتَقْرِضُ الدَّرَاهِمَ الْفُسُولَةَ - (فَيَدْخُلُ عَلَيْهِ الدَّرَاهِمَ) الْجِيَادَ فَيَقُولُ يَا بُنَيَّ رُدِّهَا عَلَيَّ الَّذِي اسْتَقْرَضْتُهَا مِنْهُ - فَأَقُولُ يَا أَبَاهُ إِنَّ دَرَاهِمَهُ كَانَتْ فُسُولَةً وَ هَذِهِ خَيْرٌ مِنْهَا - فَيَقُولُ يَا بُنَيَّ إِنَّ هَذَا هُوَ الْفَضْلُ فَأَعْطِهِ إِيَّاهَا. ٤

و عبد الرحمن بن حجاج از آن حضرت پرسید: شخصی درهم از کسی وام می‌ستاند و بجای آن مثقال که وزنش زیادتر است می‌پردازد، یا مثقال به وام می‌ستاند و با درهم اداء قرض می‌کند، فرمود: اگر شرط نباشد اشکالی ندارد و این نفعی است، پدرم علیه السلام گاهی قرض می‌خواست و درهم‌های پست و نادرست می‌دادند و چون محصول او بفروش می‌رفت و قیمت را درهم‌های درست و خوب می‌گرفت، مرا دستور می‌فرمود: که آن را به طلبکارش بدهم و من اعتراض می‌کردم که پدر جان درهم‌های او همه سائیده بود و اینها نو و خوب است؟! می‌فرمود: پسر جان من، این نفعی است که ما به او می‌رسانیم ببر و به او بپردازد.

ارزیابی: صحیح/مسند

وسائل الشیعه، ج ۱۸، ص: ۱۹۴

۷۱. وَ عَنْهُ عَنْ عَبَّيْسِ بْنِ هِشَامٍ عَنْ ثَابِتِ بْنِ شَرِيحٍ عَنْ دَاوُدَ الْأُبْزَارِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: لَا يَصْلُحُ أَنْ تُقْرِضَ ثَمْرَةً - وَ تَأْخُذَ أَجُودَ مِنْهَا بِأَرْضٍ أُخْرَى غَيْرِ الَّتِي أَقْرِضْتَ فِيهَا.

^۴ الكافي (ط - الإسلامية)، ج ۵، ص: ۲۵۴ ارزیابی: صحیح/مسند



داوود ایزاری از امام صادق(ع) نقل می‌کند که فرمود: جایز نیست محصولی را قرض دهی و بهتر از آن را در مکان دیگری پس بگیری

ارزیابی:ضعیف/مسند

۷۲. مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ بِإِسْنَادِهِ عَنْ شِهَابِ بْنِ عَبْدِ رَبِّهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ سَمِعْتُهُ يَقُولُ إِنَّ رَجُلًا جَاءَ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ ص يَسْأَلُهُ - فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص مَنْ عِنْدَهُ سَلَفٌ - فَقَالَ بَعْضُ الْمُسْلِمِينَ عِنْدِي - فَقَالَ أَعْطِهِ أَرْبَعَةَ أَوْسَاقٍ مِنْ تَمْرٍ فَأَعْطَاهُ - ثُمَّ جَاءَ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ ص فَتَقَاضَاهُ - فَقَالَ يَكُونُ «۵» فَأَعْطَيْكَ - ثُمَّ عَادَ فَقَالَ يَكُونُ «۶» فَأَعْطَيْكَ - ثُمَّ عَادَ فَقَالَ يَكُونُ «۷» فَأَعْطَيْكَ - ثُمَّ عَادَ فَقَالَ أَكْثَرْتَ يَا رَسُولَ اللَّهِ فَضَحِكَ - فَقَالَ مَنْ عِنْدَهُ سَلَفٌ - فَقَامَ رَجُلٌ فَقَالَ عِنْدِي - فَقَالَ كَمْ عِنْدَكَ قَالَ مَا شِئْتُ - فَقَالَ أَعْطِهِ ثَمَانِيَةَ أَوْسَاقٍ فَقَالَ الرَّجُلُ إِنَّمَا لِي أَرْبَعَةٌ - فَقَالَ ع «۱» وَ أَرْبَعَةٌ أَيْضًا.

۷۳. شهاب بن عبد ربّه گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که می‌فرمود: مردی خدمت رسول خدا صلی الله علیه و آله رسید و از آن حضرت تقاضای کمک کرد، رسول خدا صلی الله علیه و آله از مردم پرسید نزد کدامیک از شما مالی است که بمن قرض دهد؟ مردی از مسلمانان پاسخ داد: نزد من، حضرت فرمود: چهار بار خرما به این مرد بده، وی دستور را انجام داد، و سپس نزد آن حضرت آمده طلب خود را مطالبه کرد، رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: مالی بدستم رسد می‌پردازم، بار دوم آن شخص طلب خود را از حضرت تقاضا کرد، حضرت فرمود: مالی بدستم رسد خواهیم پرداخت، بار سوم نیز مرد مراجعه کرد و رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: تهیته می‌شود و می‌پردازم، مرد گفت: یا رسول الله بسیار وعده می‌دهی، رسول خدا صلی الله علیه و آله خندید و رو بمردم کرده فرمود: چه کسی نزدش مالی هست که بمن وام دهد؟ مردی برخاسته و عرض کرد نزد من هست، فرمود: چقدر؟ عرض کرد: هر چه بخواهی، فرمود: هشت بار خرما به این مرد بده، مرد طلبکار گفت: من چهار بار بیشتر طلب ندارم، فرمود: با چهار بار دیگر.

ارزیابی:صحیح/مسند

وسائل الشیعه؛ ج ۱۸، ص: ۳۵۲

۷۴. مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَنْ غِيَاثِ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: إِنَّ رَجُلًا أَتَى عَلِيًّا ع فَقَالَ إِنَّ لِي عَلَى رَجُلٍ دَيْنًا - فَأَهْدِي إِلَيَّ هَدِيَّةً قَالَ أَحْسَبُهُ مِنْ دَيْنِكَ عَلَيْهِ.

مردی نزد حضرت علی علیه السلام آمد و عرض کرد من از کسی طلبکارم، او هدیه‌ای برای من فرستاده، فرمود: آن را از باب طلب خود حساب کن.

ارزیابی:صحیح/مسند



وسائل الشیعه، ج ۱۸، ص: ۳۵۳

۷۵. وَ عَنْ عِدَّةٍ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ وَ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ جَمِيعاً عَنْ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ هُذَيْلِ بْنِ حَيَّانٍ أَخَى جَعْفَرِ بْنِ حَيَّانَ الصَّبْرِيِّ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي جَعْفَرٍ عِ إِنِّي دَفَعْتُ إِلَى أَخِي جَعْفَرٍ مَالاً - فَهُوَ يُعْطِينِي مَا أَنْفَقَهُ وَ أَحْجُّ مِنْهُ وَ أَتَصَدَّقُ - وَ قَدْ سَأَلْتُ مَنْ قَبْلَنَا فَذَكَرُوا أَنَّ ذَلِكَ فَاسِدٌ لَا يَجِلُّ - وَ أَنَا أَحِبُّ أَنْ أَنْتَهِيَ إِلَى قَوْلِكَ فَقَالَ لِي - أ كَانَ يَصِلُكَ قَبْلَ أَنْ تَدْفَعَ إِلَيْهِ مَالَكَ قُلْتُ نَعَمْ - قَالَ خُذْ مِنْهُ مَا يُعْطِيكَ فَكُلْ مِنْهُ - وَ اشْرَبْ وَ حُجَّ وَ تَصَدَّقْ - فَإِذَا قَدِمْتَ الْعِرَاقَ فَقُلْ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ أَفْتَانِي بِهِذَا.

هذیل بن حیان برادر جعفر بن حنان صیرفی که از اهل کوفه می‌باشد گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: من به جعفر برادرم مالی سپردم و او گاهی وجهی به من می‌دهد که من هزینه زندگی می‌کنم، از آن به زیارت خانه خدا می‌روم و صدقه می‌دهم و از پاره‌ای مردم که نزد ما زندگی می‌کنند، پرسیده‌ام آنها گفته‌اند: این عمل فاسد است و حلال نیست، و من می‌خواهم نظر شما را بکار بندم، حضرت فرمود: آیا پیش از اینکه پول را بدو بدهی او چیزی بتو می‌داد؟ عرض کردم: آری، فرمود: اشکالی ندارد از او بستان و بخور و بیاشام و به حج برو و صدقه بده و چون به عراق رسیدی بگو جعفر بن محمد این فتوی را برای من داد.

ارزیابی:ضعیف/مسند

وسائل الشیعه، ج ۱۸، ص: ۳۵۴

۷۶. وَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ مُوسَى بْنِ سَعْدَانَ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي الْعَلَاءِ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي الْحُسَيْنِ عِ قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الرَّجُلِ يَكُونُ لَهُ مَعَ رَجُلٍ مَالٌ قَرْضاً - فَيُعْطِيهِ الشَّيْءَ مِنْ رِبْحِهِ مَخَافَةً أَنْ يَقْطَعَ ذَلِكَ عَنْهُ - فَيَأْخُذُ مَالَهُ مِنْ غَيْرِ أَنْ يَكُونَ شَرْطَ عَلَيْهِ - قَالَ لَا بَأْسَ بِذَلِكَ مَا لَمْ يَكُنْ شَرْطاً.

اسحاق بن عمار می‌گوید: از امام موسی بن جعفر (ع) در مورد مردی که به مردی مالی را قرض داده، پرسیدم: قرض‌گیرنده با آن مال کار می‌کند و بخشی از سود را به قرض‌دهنده می‌پردازد، از ترس این‌که مبادا صاحب مال، مالش را پس بگیرد، بدون این‌که از قبل بین آنان شرطی بوده باشد. امام (ع) فرمود: مادامی که براساس شرط نباشد، اشکالی ندارد.

ارزیابی:صحیح/مسند

۷۷. وَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ أَبِي أَيُّوبَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عِ عَنِ الرَّجُلِ - يَسْتَقْرِضُ مِنَ الرَّجُلِ قَرْضاً وَ يُعْطِيهِ الرَّهْنَ - إِمَّا خَادِماً وَ إِمَّا أَيْتَةً وَ إِمَّا نِيَاباً - فَيَحْتَاجُ إِلَى شَيْءٍ مِنْ



مَنْفَعَتِهِ «۶» فَيَسْتَأْذِنُ فِيهِ فَيَأْذِنُ لَهُ - قَالَ إِذَا طَابَتْ نَفْسُهُ فَلَا بَأْسَ قُلْتُ - إِنَّ مَنْ عِنْدَنَا يَرُؤُونَ أَنَّ كُلَّ قَرْضٍ يَجْرُ مَنْفَعَةً فَهُوَ فَاسِدٌ - فَقَالَ أَوْ لَيْسَ خَيْرُ الْقَرْضِ مَا جَرَّ مَنْفَعَةً. ۵

و محمد بن مسلم از آن حضرت علیه السلام سؤال کرد در مورد شخصی که از کسی مبلغی قرض می‌خواهد و به او غلامی یا ظرفی یا جامه‌ای گرو می‌دهد، و او بدان گرو نیازمند می‌گردد و از بدهکار اجازه می‌طلبد که در آن تصرف کند و او به وی إذن می‌دهد، آیا صحیح است؟ فرمود: اگر به رضایت و دلخواه خود اجازه می‌دهد اشکالی ندارد، گوید: عرض کردم: فقهاء ناحیه ما می‌گویند هر قرضی که منفعتی تحصیل کند فاسد است، امام علیه السلام فرمود: آیا بهترین قرض آن نیست که فایده دنیائی هم داشته باشد؟ (در صورتی که شرطی در میان نباشد).

ارزیابی: صحیح/مسند

وسائل الشیعة، ج ۱۸، ص: ۳۵۵

۷۸. وَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ صَفْوَانَ عَنْ ابْنِ بُكَيْرٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَنِ الْقَرْضِ يَجْرُ الْمَنْفَعَةَ - فَقَالَ خَيْرُ الْقَرْضِ الَّذِي يَجْرُ الْمَنْفَعَةَ. ۶

«از امام صادق علیه السلام پرسیدم: اگر وام سودی داشته باشد چگونه است؟ فرمود: بهترین وام آن است که سودی جلب کند».

ارزیابی: ضعیف/مسند

وسائل الشیعة، ج ۱۸، ص: ۳۵۶

۷۹. وَ عَنْ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ صَفْوَانَ وَ عَلِيِّ بْنِ النَّعْمَانَ عَنْ يَعْقُوبَ بْنِ شُعَيْبٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الرَّجُلِ يُسَلِّمُ فِي بَيْعٍ أَوْ تَمْرِ عَشْرِينَ دِينَاراً - وَ يُقْرِضُ صَاحِبَ السَّلْمِ عَشْرَةَ دَنَانِيرَ أَوْ عَشْرِينَ دِينَاراً - قَالَ لَا يَصْلُحُ إِذَا كَانَ قَرْضاً يَجْرُ شَيْئاً فَلَا يَصْلُحُ - قَالَ وَ سَأَلْتُهُ عَنْ رَجُلٍ يَأْتِي حَرِيفَةً وَ خَلِيطَةً - فَيَسْتَقْرِضُ مِنْهُ الدَّنَانِيرَ فَيَقْرِضُهُ - وَ لَوْ لَأَنْ يُخَالِطَهُ وَ يُحَارِفَهُ وَ يُصِيبَ عَلَيْهِ لَمْ يَقْرِضْهُ - فَقَالَ إِنْ كَانَ مَعْرُوفاً بَيْنَهُمَا فَلَا بَأْسَ - وَ إِنْ كَانَ إِنَّمَا يَقْرِضُهُ مِنْ أَجْلِ أَنَّهُ يُصِيبُ عَلَيْهِ فَلَا يَصْلُحُ..

الكافي (ط - الإسلامية)، ج ۵، ص: ۲۵۵ ارزیابی: صحیح/مسند

الكافي (ط - الإسلامية)، ج ۵، ص: ۲۵۵ ارزیابی: ضعیف/مسند



یعقوب بن شعیب از امام صادق (علیه السلام) می‌پرسد: در مورد مردی که در معامله‌ای ۲۰ دینار را به عنوان سلم به خریدار داده بنا بر اینکه صاحب سلم ۱۰ یا ۲۰ دینار به او قرض دهد، حضرت فرمودند: جایز نیست چون قرضی است که سود آور است و قرض سود آور حرام است و از حضرت پرسید: مردی نزد همکار و همنشین خود می‌آید و تقاضا می‌کند که دینارهای به او قرض دهد و او چنین می‌کند در حالی که اگر همکار و همنشین او نبود از جانب او سوی به وی می‌رسید اصلاً قرض نمی‌داد؟ حضرت فرمودند: اگر چنین قرضی بینشان متعارف است اشکالی ندارد اما اگر به جهت رسیدن به سودی از ناحیه او قرض داده است صحیح نیست

ارزیابی: صحیح/مسند

۸۰. وَ عَنْهُ عَنْ صَفْوَانَ عَنِ ابْنِ مُسْكَانَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ع قَالَ: قُلْتُ لَهُ الرَّجُلُ يَأْتِيهِ النَّبْتُ بِأَحْمَالِهِمْ- فَيَبِيعُهَا لَهُمْ بِالْأَجْرِ فَيَقُولُونَ لَهُ- أَقْرَضْنَا دَنَائِيرَ فَإِنَّا نَجِدُ مَنْ يَبِيعُ لَنَا غَيْرَكَ- وَ لَكِنَّا نَخْشَى بِأَحْمَالِنَا مِنْ أَجْلِ أَنْتَ تَقْرَضُنَا- فَقَالَ لَا بَأْسَ بِهِ إِنَّمَا يَأْخُذُ دَنَائِيرَ مِثْلَ دَنَائِيرِهِ- وَ لَيْسَ بِثَوْبٍ إِنْ لَيْسَهُ كُسِيرٌ ثَمَنُهُ- وَ لَا دَابَّةٌ إِنْ رَكِبَهَا كَسَرَهَا- وَ إِنَّمَا هُوَ مَعْرُوفٌ يَصْنَعُهُ إِلَيْهِمْ.

ابو بصیر روایت می‌کند که به امام باقر (علیه السلام) گفتم: که مردی است که کارگرا با بارهایشان پیش او می‌آیند، پس اجناسشان را برای آن‌ها در مقابل اجرت می‌فروشد، پس به او می‌گویند دینارهایی را به ما قرض بده پس به درستی که ما افراد دیگری را که برای ما (اجناس را) بفروشدند به غیر از تو می‌بایم ولی ما تو را اختیار کرده‌ایم چون تو به ما قرض می‌دهی؟

حضرت فرمودند: اشکالی ندارد او دینارهایی را که مثل دینارهای خودش است می‌گیرد و آنگونه که نیست مانند لباسی می‌باشد اگر پوشیدی قیمتش کم شود و یا حیوانی باشد که اگر سوار شدی قیمتش کم شود بلکه او کار خیر و نیکی را برای آن‌ها انجام می‌دهد.

ارزیابی: صحیح/مسند

وسائل الشیعه، ج ۱۸، ص: ۳۵۷

۸۱. وَ عَنْ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ يُونُسَ بْنِ عَقِيلٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ قَيْسٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ع قَالَ: مَنْ أَقْرَضَ رَجُلًا وَرِقًا فَلَا يَشْتَرِطُ إِلَّا مِثْلَهَا- فَإِنْ جُوزِيَ أَجُودَ مِنْهَا فَلْيَقْبَلْ- وَ لَا يَأْخُذُ أَحَدٌ مِنْكُمْ رُكُوبَ دَابَّةٍ- أَوْ عَارِيَةً مَتَاعٍ يَشْتَرِطُهُ مِنْ أَجْلِ قَرْضِ وَرِقِهِ.

محمد بن قیس از امام باقر (ع) نقل می‌کند که فرمود: کسی که به دیگری درهم‌هایی را قرض می‌دهد، جز برگرداندن مثل آن را شرط نکند؛ پس اگر بهتر از آن به او بازگردانده شد بپذیرد. هیچ‌کدام از شما در مقابل قرض دادن درهمی، سواری حیوان یا عاریه چیزی را شرط نکند.



ارزیابی: صحیح/مسنند

۸۲. وَ بِإِسْنَادِهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ جَمِيلِ بْنِ دَرَّاجٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: قُلْتُ أَصْلَحَكَ اللَّهُ إِنَّا نَخَالِطُ نَفَرًا مِنْ أَهْلِ السَّوَادِ- فَتُقْرِضُهُمُ الْقَرْضَ وَ يَصْرِفُونَ إِلَيْنَا غَلَّتِهِمْ- فَتَبِيعُهَا لَهُمْ بِأَجْرٍ وَ لَنَا فِي ذَلِكَ مَنْفَعَةٌ- قَالَ فَقَالَ لَا بَأْسَ- وَ لَا أَعْلَمُهُ إِلَّا قَالَ وَ لَوْ لَا مَا يَصْرِفُونَ إِلَيْنَا مِنْ غَلَّتِهِمْ- لَمْ نُقْرِضْهُمْ قَالَ لَا بَأْسَ.

جمیل بن دراج روایت می‌کند که به امام صادق (علیه السلام) گفتم: ما با بعضی از اهل عراق معاشرت داریم پس به آن‌ها قرض می‌دهیم و آن‌ها غلاتشان را برای ما می‌آورند تا برای آن‌ها بفروشیم و ما با گرفتن اجرتی برای آن‌ها می‌فروشیم و برای ما در این مورد منافعی وجود دارد؟ حضرت فرمودند: اشکال ندارد. دوباره جمیل گفت: اگر غلات خود را برای ما نفرستند ما به آن‌ها قرض نمی‌دهیم حضرت فرمودند: اشکالی ندارد.

ارزیابی: صحیح/مسنند

۸۳. وَ بِإِسْنَادِهِ عَنْ صَفْوَانَ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي إِبْرَاهِيمَ ع الرَّجُلُ يَكُونُ لَهُ عَلَى «۶» الرَّجُلِ- الْمَالُ قَرْضًا فَيَطُولُ مَكْنُهُ عِنْدَ الرَّجُلِ- لَا يَدْخُلُ عَلَى صَاحِبِهِ مِنْهُ مَنْفَعَةٌ- فَيُنْبِلُهُ الرَّجُلُ الشَّيْءَ بَعْدَ الشَّيْءِ- كَرَاهِيَةً أَنْ يَأْخُذَ مَالَهُ حَيْثُ لَا يُصِيبُ مِنْهُ مَنْفَعَةٌ- أَوْ يَجِلُّ ذَلِكَ لَهُ قَالَ لَا بَأْسَ إِذَا لَمْ يَكُنْ بِشَرْطٍ.

اسحاق بن عمار گوید: به امام هفتم علیه السلام عرض کردم شخصی نزد کسی مالی دارد که باو قرض می‌دهد و مدت این وام طول می‌کشد و از این مال چیزی عائد صاحبش نمی‌شود، از این رو بدهکار گاهگاه هدیه‌ای برای او می‌فرستد مبدا مالش را پس بگیرد، آیا این بر او (طلبکار) حلال است؟ فرمود: اگر با هم شرط نکرده باشند چنین چیزی را، اشکالی ندارد.

ارزیابی: صحیح/مسنند

وسائل الشیعة، ج ۱۸، ص: ۳۵۸

۸۴. وَ بِإِسْنَادِهِ عَنْ الْحَسَنِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ سَمَاعَةَ عَنْ صَفْوَانَ وَ عَلِيِّ بْنِ رَبَاطٍ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ عَنِ الْعَبْدِ الصَّالِحِ ع قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ الرَّجُلِ يَرْهَنُ الْعَبْدَ أَوْ الثَّوْبَ- أَوْ الْخَلِيَّ أَوْ الْمَتَاعَ مِنْ مَتَاعِ الْبَيْتِ- فَيَقُولُ صَاحِبِ الرَّهْنِ لِلْمُرْتَهِنِ- أَنْتَ فِي حِلٍّ مِنْ لُبْسِ هَذَا الثَّوْبِ فَالْبَسِ الثَّوْبَ وَ انْتَفِعْ بِالْمَتَاعِ وَ اسْتَخْدِمِ الْخَادِمَ قَالَ هُوَ لَهُ حَلَالٌ إِذَا أَحْلَاهُ وَ مَا أَحَبُّ لَهُ أَنْ يَفْعَلَ.

اسحاق بن عمار گوید: از موسی بن جعفر علیهما السلام پرسیدم: شخصی برده خود یا جامه یا جواهرات یا اسباب و اثاثه خانه را نزد کسی گرو می‌گذارد و به گروگیرنده اجازه تصرف این اشیاء را می‌دهد و می‌گوید بر تو حلال است جامه را بپوشی، آن را در بر کن و از اثاث خانه استفاده کن، و خادم (برده) را به کار گمار و به او



پژوهشکده پولی و بانکی
بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران

فرمان بده، نظرتان چیست؟ فرمود: اینها بر او حلال است، در صورتی که او (راهن) اجازه می‌دهد، اما من خوش ندارم که (مرتهن) چنین کند.

ارزیابی: موثق/مسند

وسائل الشیعة، ج ۱۸، ص: ۳۵۹

۸۵. مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ بِإِسْنَادِهِ عَنْ جَمِيلِ بْنِ دَرَّاجٍ عَنْ رَجُلٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَ صَلَّحَكَ اللَّهُ - إِلَى أَنْ قَالَ - وَ سَأَلَ أَبُو جَعْفَرٍ ع - عَنِ الرَّجُلِ يَكُونُ لَهُ عَلَى الرَّجُلِ الدَّرَاهِمُ وَ الْمَالُ - فَيَدْعُوهُ إِلَى طَعَامِهِ أَوْ يُهْدِي لَهُ الْهَدِيَّةَ قَالَ لَا بَأْسَ.

از امام باقر علیه السلام پرسیدند: در مورد مردی که از دیگری طلبی دارد پول یا مال، و بدهکار وی را به طعام دعوت می‌کند یا تحفه‌ای به او می‌بخشد؟ فرمود: اشکالی ندارد

ارزیابی: صحیح/مسند

۸۶. عَبْدُ اللَّهِ بْنُ جَعْفَرٍ فِي قُرْبِ الْإِسْنَادِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْحَسَنِ عَنْ جَدِّهِ عَلِيِّ بْنِ جَعْفَرٍ عَنْ أَخِيهِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ ع قَالَ: وَ سَأَلْتُهُ عَنْ رَجُلٍ أُعْطِيَ رَجُلًا مِائَةَ دِرْهَمٍ - عَلِيٌّ أَنْ يُعْطِيَهُ خَمْسَةَ دَرَاهِمٍ أَوْ أَقَلَّ أَوْ أَكْثَرَ - قَالَ هَذَا الرَّبَّاءُ الْمَحْضُ.

از امام هفتم علیه السلام پرسیدم کسی یکصد درهم می‌دهد که یکصد و پنج درهم یا بیشتر و کمتر بگیرد؟ فرمود: این ربای خالص است!

ارزیابی: صحیح/مسند

وسائل الشیعة؛ ج ۱۸، ص: ۱۲۵

۸۷. مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عَيْسَى عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ عَمَرَ الْيَمَانِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: الرَّبَّاءُ رِبَاءَانِ رَبًّا يُؤْكَلُ وَ رَبًّا لَا يُؤْكَلُ - فَأَمَّا الَّذِي يُؤْكَلُ فَهَدِيَّتُكَ إِلَى الرَّجُلِ - تَطْلُبُ مِنْهُ الثَّوَابَ أَفْضَلَ مِنْهَا فَذَلِكَ الرَّبَّاءُ الَّذِي يُؤْكَلُ وَ هُوَ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ مَا آتَيْتُمْ مِنْ رَبًّا - لِيَرْبُؤَا فِي أَمْوَالِ النَّاسِ فَلَا يَرْبُؤَا عِنْدَ اللَّهِ - وَ أَمَّا الَّذِي لَا يُؤْكَلُ - فَهُوَ الَّذِي - نَهَى اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ عَنْهُ وَ أُوْعِدَ عَلَيْهِ النَّارَ.

حضرت صادق فرمود ربا دو نوع است، یکی ربایی که می‌توان خورد، و دیگر آنکه نمی‌توان خورد، اما آن ربایی که جایز و حلال است، هدیه‌ای است که به کسی می‌دهی و از دادنت ثواب می‌خواهی، چون ثواب آن چند برابر



خود آن است، این آن ربایی است که می‌توان خورد، و خدای تعالی در باره‌اش فرموده: "و آنچه از ربا می‌دهید تا مال مردم زیاد شود نزد خدا زیاد نمی‌شود" و اما آن ربایی که خوردنی نیست، آن همان ربایی است که خدا از آن نهی کرده و وعده آتش در برابرش داده

ارزیابی سند: صحیح/مسند

۸۸. وَ بِإِسْنَادِهِ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عِيسَى عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ عُمَرَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع فِي قَوْلِهِ وَ مَا آتَيْتُمْ مِنْ رَبًّا لِيَرْبُؤَا فِي أَمْوَالِ النَّاسِ فَلَا يَرْبُؤَا عِنْدَ اللَّهِ - قَالَ هُوَ هَدَيْتَكَ إِلَى الرَّجُلِ تُرِيدُ مِنْهُ التَّوَابَ أَفْضَلَ مِنْهَا - فَذَلِكَ رَبًّا يُؤْكَلُ.

و خدای تعالی در باره‌اش فرموده: "و آنچه از ربا می‌دهید تا مال مردم زیاد شود نزد خدا زیاد نمی‌شود" و اما آن ربایی که خوردنی نیست، آن همان ربایی است که خدا از آن نهی کرده و وعده آتش در برابرش داده

ارزیابی: صحیح / مسند

وسائل الشیعة؛ ج ۱۸، ص: ۱۶۰

۸۹. عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ فِي تَفْسِيرِهِ عَنْ أَبِيهِ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْمُنْقَرِيِّ عَنِ حَفْصِ بْنِ غِيَاثٍ عَنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: الرَّبَا رَبَاءَانِ أَحَدُهُمَا رَبًّا حَلَالٌ وَ الْآخَرُ حَرَامٌ - فَأَمَّا الْحَلَالُ فَهُوَ أَنْ يُقْرَضَ الرَّجُلُ قَرْضًا طَمَعًا أَنْ يَزِيدَهُ - وَ يُعَوِّضُهُ بِأَكْثَرِ مِمَّا أَخَذَهُ بِلَا شَرْطٍ بَيْنَهُمَا - فَإِنْ أَعْطَاهُ أَكْثَرَ مِمَّا أَخَذَهُ بِلَا شَرْطٍ بَيْنَهُمَا فَهُوَ مُبَاحٌ لَهُ - وَ لَيْسَ لَهُ عِنْدَ اللَّهِ تَوَابٌ فِيمَا أَقْرَضَهُ - وَ هُوَ قَوْلُهُ عَزَّ وَ جَلَّ فَلَا يَرْبُؤَا عِنْدَ اللَّهِ - وَ أَمَّا - الرَّبَا الْحَرَامُ فَهُوَ الرَّجُلُ يُقْرَضُ قَرْضًا - وَ يَشْتَرِطُ أَنْ يَرِدَ أَكْثَرَ مِمَّا أَخَذَهُ فَهَذَا هُوَ الْحَرَامُ.

ربا بر دو گونه است : یکی حلال و دیگری حرام ، اما ربای حلال آن است که انسان به برادر مسلمانش قرضی دهد به این امید که او به هنگام باز پس دادن چیزی بر آن بیفزاید بی‌آنکه شرطی در میان این دو باشد ، در این صورت اگر شخص وام گیرنده چیزی بیشتر به او بدهد - بی آنکه شرط کرده باشد - این افزایش برای او حلال است ، ولی ثوابی از قرض دادن خود نخواهد برد ، و این همان است که قرآن در جمله فلا یربوا عند الله بیان کرده ، اما ربای حرام آن است که انسان قرضی به دیگری بدهد و شرط کند که بیش از آنچه وام گرفته به او باز پس گرداند این ربای حرام است .

ارزیابی:ضعیف/مسند

وسائل الشیعة؛ ج ۱۸، ص: ۳۶۰



۹۰. مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بِإِسْنَادِهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَادِ بْنِ الْحَلْبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: إِذَا أَفْرَضْتَ الدَّرَاهِمَ ثُمَّ جَاءَكَ بِخَيْرٍ مِنْهَا فَلَا تَأْسَ - إِذَا لَمْ يَكُنْ بَيْنَكُمَا شَرْطٌ.

«هرگاه پولهای نقره‌ای (درهم) را وام دادی و بهتر از آن را برای تو آورد، حرام نیست به شرط این که قراردادی روی این کار در میان نباشد».

ارزیابی: صحیح/مسند

وسائل الشیعة؛ ج ۱۸، ص: ۴۲

۹۱. وَ بِإِسْنَادِهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ الصَّفَّارِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي الْخَطَّابِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ بْنِ بَزِيعٍ عَنْ صَالِحِ بْنِ عُقْبَةَ عَنْ يُونُسَ الشَّيْبَانِيَّ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع الرَّجُلُ يَبِيعُ الْبَيْعَ - وَ الْبَائِعُ يَعْلَمُ أَنَّهُ لَا يَسْوَى وَ الْمُشْتَرَى يَعْلَمُ أَنَّهُ لَا يَسْوَى - إِلَّا أَنَّهُ يَعْلَمُ أَنَّهُ سَيَرْجِعُ فِيهِ فَيَشْتَرِيهِ مِنْهُ - قَالَ فَقَالَ يَا يُونُسُ إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ ص قَالَ لِحَبِيبِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ - كَيْفَ أَنْتَ إِذَا ظَهَرَ الْجُورُ وَ أَوْرَثَهُمُ الدَّلَّ - قَالَ فَقَالَ لَهُ جَابِرٌ لَا بَقِيَتْ إِلَّا إِلَيَّ ذَلِكَ الزَّمَانِ - وَ مَتَى يَكُونُ ذَلِكَ بِأَبِي أَنْتَ وَ أُمِّي - قَالَ إِذَا - ظَهَرَ الرَّبُّ يَا يُونُسُ - وَ هَذَا الرَّبُّ فَإِنْ لَمْ تَشْتَرِهِ رَدَّهُ عَلَيْكَ - قَالَ قُلْتُ: نَعَمْ قَالَ فَلَا تَقْرَبْنَهُ فَلَا تَقْرَبْنَهُ.

یونس می‌گوید: به امام صادق (ع) عرض کردم: مردی کالایی را می‌فروشد و فروشنده و خریدار هر دو می‌دانند که این کالا این قدر ارزش ندارد اما خریدار اطمینان دارد که فروشنده دوباره آن را از وی خواهد خرید. امام (ع) فرمود: یونس! همانا که رسول خدا (ص) به جابر بن عبد الله فرمود: حال تو چگونه خواهد بود هنگامی که ستم آشکار گردد و مردم را خوار گرداند؟ جابر عرض کرد: خدا مرا تا آن زمان زنده نگذارد. پدر و مادرم فدای تو باد! آن، چه هنگامی است؟ رسول خدا (ص) فرمود: آنگاه که ربا شایع شود. ای یونس! آنچه می‌گویی، ربا است، پس اگر تو کالا را دوباره از او نخری، آن را باز می‌گرداند؟ یونس می‌گوید: عرض کردم: آری! امام (ع) فرمود: به آن نزدیک مشو، به آن نزدیک مشو.



دسته یازدهم: حرمت ربای قرضی

• وسائل الشیعة، ج ۱۸، ص: ۱۴۴

۹۲. مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بِإِسْنَادِهِ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ سَمَاعَةَ عَنْ عَبَّيْسِ بْنِ هِشَامٍ عَنْ ثَابِتِ بْنِ شَرِيحٍ عَنْ دَاوُدَ الْأُبْزَارِيِّ قَالَ: لَا يَصْلُحُ أَنْ تُفْرَضَ ثَمَرَةٌ وَتَأْخُذَ أَجُودَ مِنْهَا - بِأَرْضٍ أُخْرَى غَيْرِ الَّتِي أُفْرَضَتْ مِنْهَا.

داوود ابزاری از امام صادق(ع) نقل می‌کند که فرمود: جایز نیست محصولی را قرض دهی و بهتر از آن را در مکان دیگری پس بگیری.

ارزیابی: ضعیف/موقوف

وسائل الشیعة ج: ۱۸ ص: ۳۷۶

۹۳. مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ بِإِسْنَادِهِ عَنْ أَبَانَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ع فِي الرَّجُلِ يَكُونُ عَلَيْهِ دَيْنٌ إِلَى أَجَلٍ مُسَمًّى فَيَأْتِيهِ غَرِيمُهُ فَيَقُولُ أَنْقِذْنِي مِنَ الَّذِي لِي كَذَا وَ كَذَا وَ أَضَعُ لَكَ بَقِيَّتَهُ أَوْ يَقُولُ أَنْقِذْنِي بَعْضًا وَ أُمَّدْ لَكَ فِي الْأَجَلِ فِيمَا بَقِيَ فَقَالَ لَا أَرَى بِهِ بَأْسًا مَا لَمْ يَزِدْ عَلَى رَأْسِ مَالِهِ شَيْئًا يَقُولُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ فَلَكُمْ رُؤُسُ أَمْوَالِكُمْ لَا تَظْلِمُونَ وَ لَا تُظْلَمُونَ (البقره - ۲۷۹ -)

آبان بن عثمان از محمد بن مسلم از امام باقر علیه السلام روایت کند: مردی بدهی مدت داری به دیگری دارد، طلبکار مراجعه کرده گوید فلان مقدار از طلب مرا نقدا بپرداز و بقیه را بتو می‌بخشم، یا اینکه مقداری از طلب مرا نقدا و بقیه را مدت طولانی‌تر بپردازد، آیا در این دو صورت اشکالی هست؟ حضرت فرمود: من اشکالی نمی‌بینم بشرط آنکه به رأس المال (سرمایه) چیزی اضافه نکند زیرا خداوند می‌فرماید: فَلَكُمْ رُؤُسُ أَمْوَالِكُمْ ﴿۱﴾ تَظْلِمُونَ ﴿۲﴾ وَ لَا تُظْلَمُونَ ﴿۳﴾ (بقره- آیه ۲۷۹). یعنی: برای شما اصل سرمایه اولیه شماست نه شما به کسی ظلم می‌کنید و نه ظلم خواهید شد.

ارزیابی: صحیح/مسند

وسائل الشیعة؛ ج ۱۸، ص: ۵۴

۹۴. مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَنِ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ عَلِيِّ بْنِ حَدِيدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي الْحَسَنِ ع إِنَّ سَلْسَبِيلَ طَلَبْتُ مِنْي - مِائَةَ أَلْفِ دِرْهَمٍ عَلَيَّ أَنْ تُرَبِّحَنِي عَشْرَةَ أَلْفٍ - فَأَقْرَضَهَا تِسْعِينَ أَلْفًا وَ أُبَيْعَهَا ثَوْبَ وَشِيٍّ - تُقَوِّمُ بِأَلْفِ دِرْهَمٍ بَعَشْرَةَ أَلْفِ دِرْهَمٍ قَالَ لَا بَأْسَ.



به امام کاظم علیه السلام عرض کردم: بانو سلسبیل از من یک صد هزار درهم وام تقاضا کرده است، تا در مقابل ده هزار درهم، سود به من بدهد (و چون این کار، به این شکل ربا و حرام است، برای فرار از ربا) من نود هزار درهم به او قرض می‌دهم و یک پیراهن راه راه که قیمت آن هزار درهم است، به مبلغ ده هزار درهم به او می‌فروشم (آیا این کار جایز است؟). امام فرمودند: اشکالی ندارد».

ارزیابی: صحیح/مسند

۹۵. قَالَ الْكَلْبِيُّ وَ فِي رِوَايَةٍ أُخْرَى لَا بَأْسَ بِهِ أُعْطِيَهَا مِائَةَ أَلْفٍ وَ بَعْضُهَا التَّوْبَ بَعْشَرَ أَلْفٍ - وَ أَكْتُبُ عَلَيْهَا كِتَابَيْنِ

محمد بن یعقوب کلینی (مؤلف کتاب کافی) می‌گوید: در روایت دیگری آمده است که امام علیه السلام فرمود: (یعنی همان داستان و سؤالی که در حدیث قبل مطرح شد، در روایت دیگری نیز مطرح شد. و امام علیه السلام در جواب چنین فرمودند: اشکالی ندارد، یک صد هزار درهم قرض الحسنه به او پرداخت کن، و پیراهنی (که مثلاً هزار درهم ارزش دارد) در مقابل ده هزار درهم به او بفروش و دو سند جداگانه (یکی برای وام و دیگری برای خرید و فروش) تنظیم کن».

ارزیابی: ضعیف/موقوف

وسائل الشیعة، ج ۱۸، ص: ۵۵

۹۶. وَ عَنْهُ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ عَبْدِ الْمَلِكِ بْنِ عُثْبَةَ قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الرَّجُلِ يُرِيدُ «۴» أَنْ أُعِينَهُ الْمَالَ - أَوْ يَكُونَ لِي عَلَيْهِ مَالٌ قَبْلَ ذَلِكَ - فَيَطْلُبُ مِنِّي مَالًا أَزِيدُهُ عَلَى مَالِي الَّذِي لِي عَلَيْهِ - أَوْ يَسْتَقِيمُ أَنْ أَزِيدَهُ مَالًا وَ أَيْبَعَهُ لَوْلَاؤَهُ تَسْوَى مِائَةَ دَرَاهِمٍ بِأَلْفِ دَرَاهِمٍ - فَأَقُولُ أَيْبَعَكَ هَذِهِ الْوَلُولَاؤَةَ بِأَلْفِ دَرَاهِمٍ - عَلَى أَنْ أَوْخَرَكَ بِتَمَنِّيهَا وَ بِمَالِي عَلَيْكَ - كَذَا وَ كَذَا شَهْرًا قَالَ لَا بَأْسَ.

از یکی از ائمه علیه السلام سؤال کردم در مورد مردی که مالی را به او، به صورت «عینه» واگذار کرده بودم (و به هنگام سر رسید قسط آن توانایی پرداخت نداشت)، یا طلبی از او (نه از بابت عینه) از قبل داشتم (که وقت آن رسیده بود و قدرت پرداخت نداشت) او از من درخواست می‌کند که مالی دیگر به او بدهم که به بدهی سابق او اضافه شود (یعنی اگر ۱۰۰ تومان بدهکار است تقاضای ۵۰ تومان دیگر دارد که بعداً همه را یکجا بپردازد) آیا جایز است که مقداری دیگر به او وام دهم و قطعه مرواریدی که یک صد درهم ارزش دارد به هزار درهم به او بفروشم؟ به این شکل که به او بگویم: این مروارید را به تو می‌فروشم به هزار درهم، مشروط بر این که پول آن را، و طلبی که از تو دارم، چند ماه دیگر بپردازی. امام علیه السلام فرمودند: اشکالی ندارد».

ارزیابی: صحیح/مسند



وسائل الشیعة، ج ۱۸، ص: ۵۶

۹۷. وَ بِإِسْنَادِهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ يَحْيَى عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ إِسْحَاقَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سُلَيْمَانَ الدَّيْلَمِيِّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ رَجُلٍ كَتَبَ إِلَى الْعَبْدِ الصَّالِحِ عَ يَسْأَلُهُ - أَنِّي أَعْمَلُ قَوْمًا أُبِعُهُمُ الدَّقِيقَ - أُرْبِحُ - عَلَيْهِمْ فِي الْقَفِيزِ دَرَاهِمَيْنِ إِلَى أَجْلِ مَعْلُومٍ - وَ أَنَّهُمْ سَأَلُونِي أَنْ أُعْطِيَهُمْ عَنْ نِصْفِ الدَّقِيقِ دَرَاهِمَ فَهَلْ مِنْ حِيلَةٍ لَّا أُدْخَلَ فِي الْحَرَامِ - فَكَتَبَ إِلَيْهِ أَقْرِضُهُمُ الدَّرَاهِمَ قَرْضًا - وَ ازْدَدْ عَلَيْهِمْ فِي نِصْفِ الْقَفِيزِ بِقَدْرِ مَا كُنْتَ تَرِبِحُ عَلَيْهِمْ.

شخصی نامه‌ای به امام کاظم علیه السلام نوشت و سؤالی بدین شکل مطرح کرد: من با قومی تجارت دارم و به آنها آرد می‌فروشم و در هر «قفیزی» که به صورت نسیه می‌فروشم، دو درهم از آنها سود می‌گیرم، آنها از من تقاضا کردند که به جای نصف آرد مزبور، به آنها پول (به عنوان وام) بدهم (و حاضرند سود پول را بدهند) آیا راهی وجود دارد که بدون ارتکاب حرام این کار را انجام دهم؟ امام هفتم علیه السلام در جوابش نوشتند: وجه درخواستی آنها را به صورت وام به آنها بپرداز و هر مقدار سودی که از فروش مجموع آردها می‌بردی، بر قیمت باقیمانده آردی که از تو می‌خرند، اضافه کن.»

ارزیابی:ضعیف/مرسل

• تهذیب الأحکام ج: ۶ ص: ۱۹۰

۹۸. مَوْثِقُ عَمَارِ «۱» قَالَ: قُلْتُ لِلرِّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ الرَّجُلُ يَكُونُ لَهُ الْمَالُ فَيَدْخُلُ عَلَى صَاحِبِهِ يَبِيعُهُ لَوْلُؤُهُ تَسْوَى مَائَةِ دَرَاهِمٍ بِأَلْفٍ دَرَاهِمٍ وَ يُؤَخِّرُ عَنْهُ الْمَالَ إِلَى وَقْتٍ. قَالَ: لَا بَأْسَ بِهٖ أَمْرُنِي أَبِي فَفَعَلْتَ ذَلِكَ، وَ زَعَمَ أَنَّهُ سَأَلَ أَبَا الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْهَا فَقَالَ مِثْلَ ذَلِكَ.

محمد بن اسحاق بن عمار گوید: به امام هشتم علیه السلام عرض کردم: مردی را بر عهده دیگری مالی است و بر او وارد می‌شود و جواهری را که یک صد درهم قیمت آنست به هزار درهم به او می‌فروشد و مطالبه مالی را که بر عهده او دارد تا مدتی به تأخیر می‌اندازد، فرمود: اشکالی ندارد، یک بار پدرم علیه السلام مرا به چنین کاری امر فرمود و من انجام دادم.

ارزیابی:ضعیف/مسند

۹۹. مَوْثِقُ عَمَارِ الْآخِرِ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَكُونُ لِي عَلَى الرَّجُلِ دَرَاهِمٌ فَيَقُولُ آخِرُنِي بِهَا وَ أَنَا أُرْبِحُكَ فَأَبِيعُهُ جِبَةً تَقُومُ عَلَى بَأَلْفِ دَرَاهِمٍ بَعَشْرَةَ أَلْفِ دَرَاهِمٍ أَوْ قَالَ: بَعَشْرِينَ أَلْفًا أُؤَخِّرُهُ بِالْمَالِ، قَالَ: لَا بَأْسَ.



پژوهشکده پولی و بانکی
بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران

به امام کاظم علیه السلام عرض کردم: شخصی مقداری به من بدهکار است و می‌گوید: مدت طلب خود را تأخیر بینداز! آیا برای من جایز است لباسی که قیمت آن هزار درهم است به ده هزار درهم، یا بیست هزار درهم به او بفروشم و بدهکاری‌اش را تأخیر بیندازم؟ امام فرمودند: اشکالی ندارد.»

ارزیابی: صحیح/مسند

تهذیب الأحکام ج: ۶ ص: ۲۰۵

۱۰۰. الصَّفَّارُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيْسَى عَنْ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ وَ قَدْ سَمِعْتَهُ مِنْ عَلِيٍّ قَالَ كَتَبْتُ إِلَيْهِ الْقَرْضُ يَجْرُ الْمُنْفَعَةَ هَلْ يَجُوزُ أَمْ لَا فَكَتَبَ عَ يَجُوزُ ذَلِكَ وَ كَتَبْتُ إِلَيْهِ رَجُلٌ لَهُ عَلَى رَجُلٍ تَمْرٌ أَوْ حِنْطَةٌ أَوْ شَعِيرٌ أَوْ قُطْنٌ فَلَمَّا تَقَاضَاهُ قَالَ خُذْ بِقِيمَتِهِ مَا لَكَ عِنْدِي دَرَاهِمٌ أ يَجُوزُ لَهُ ذَلِكَ أَمْ لَا فَكَتَبَ عَ يَجُوزُ ذَلِكَ عَنْ تَرَاضٍ مِنْهُمَا إِنْ شَاءَ اللَّهُ

از علی بن محمد و نیز علی نقل شده است که از حضرت به صورت مکتوب، سؤال نمودم در مورد فرد داینی که بر ذمه شخص مدیونی، دینی از نوع خرما یا گندم یا جو یا پنبه، طلب دارد، زمانی که دین و طلب خویش را مطالبه می‌نماید، شخص مدیون (بدهکار) از وی می‌خواهد که به اندازه قیمت اجناس دینی (که طلب دارد)، مقداری درهم قبول نماید؛ آیا چنین کاری جایز است؟

ارزیابی: صحیح/مسند

تهذیب الأحکام ج: ۶ ص: ۲۰۳

۱۰۱. عَنْهُ عَنْ صَفْوَانَ عَنِ ابْنِ مُسْكَانَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَ قَالَ قُلْتُ لَهُ الرَّجُلُ يَأْتِيهِ التَّبَطُّ بِأَحْمَالِهِمْ فَيَبِيعُهَا لَهُمْ بِالْأَجْرِ فَيَقُولُونَ لَهُ أَفَرِضْنَا دَنَائِيرَ فَإِنَّا نَجِدُ مَنْ يَبِيعُ لَنَا غَيْرَكَ وَ لَكِنَّا نَخْصُكَ بِأَحْمَالِنَا مِنْ أَجْلِ أَنَّكَ تَقْرِضُنَا قَالَ لَا بَأْسَ بِهِ

مردی است، که اهالی «تبط» اجناس خود را نزد او می‌آورند تا برای آنها به صورت حق العمل بفروشد و به او می‌گویند به ما وامی بده و ما به خاطر وامی که به ما می‌دهی فقط اجناس خود را به تو می‌دهیم؟ فرمود: مانعی ندارد.»

ارزیابی: صحیح/مسند

تهذیب الأحکام ج: ۶ ص: ۲۰۵



۱۰۲. صَفْوَانُ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ قُلْتُ لِأَبِي إِبْرَاهِيمَ ع الرَّجُلُ يَكُونُ لَهُ عِنْدَ الرَّجُلِ الْمَالُ قَرْضًا فَيَطُولُ مَكْنُتُهُ عِنْدَ الرَّجُلِ لَا يَدْخُلُ عَلَى صَاحِبِهِ مِنْهُ مَنَفَعَةٌ فَيَنْبِيئُهُ الرَّجُلُ الشَّيْءَ بَعْدَ الشَّيْءِ كِرَاهَةً أَنْ يَأْخُذَ مَالَهُ حَيْثُ لَا يُصِيبُ مِنْهُ مَنَفَعَةٌ أَيْحِلُّ ذَلِكَ لَهُ فَقَالَ لَا بَأْسَ إِذَا لَمْ يَكُنْ بِشَرْطٍ

اسحاق بن عمار گوید: به امام هفتم علیه السلام عرض کردم شخصی نزد کسی مالی دارد که باو قرض می‌دهد و مدت این وام طول می‌کشد و از این مال چیزی عائد صاحبش نمی‌شود، از این رو بدهکار گاهگاه هدیه‌ای برای او می‌فرستد مبادا مالش را پس بگیرد، آیا این بر او (طلبکار) حلال است؟ فرمود: اگر با هم شرط نکرده باشند چنین چیزی را، اشکالی ندارد.

ارزیابی: صحیح/مسند

تهذیب‌الأحكام ج: ۷ ص: ۳۳

۱۰۳. مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ يَحْيَى عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ إِسْحَاقَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سُلَيْمَانَ الدَّيْلَمِيِّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ رَجُلٍ كَتَبَ إِلَى الْعَبْدِ الصَّالِحِ ع يَسْأَلُهُ أَنِّي أَعْمِلُ قَوْمًا أبيعُهُم الدَّقِيقَ أُرَبِّحُ عَلَيْهِمْ فِي الْقَفِيزِ دَرَاهِمِينَ إِلَى أَجْلِ مَعْلُومٍ وَ إِنَّهُمْ يَسْأَلُونَنِي أَنْ أُعْطِيَهُمْ عَنْ نِصْفِ الدَّقِيقِ دَرَاهِمَ فَهَلْ لِي مِنْ حَيْلَةٍ أَلَّا أُدْخَلَ فِي الْحَرَامِ فَكَتَبَ إِلَيْهِ أَفْرَضُهُمُ الدَّرَاهِمَ قَرْضًا وَ أَزْدَدَ عَلَيْهِمْ فِي نِصْفِ الْقَفِيزِ بِقَدْرِ مَا كُنْتُ تَرَبِّحُ عَلَيْهِمْ

شخصی نامه‌ای به امام کاظم علیه السلام نوشت و سؤالی بدین شکل مطرح کرد: من با قومی تجارت دارم و به آنها آرد می‌فروشم و در هر «قفیزی» که به صورت نسیه می‌فروشم، دو درهم از آنها سود می‌گیرم، آنها از من تقاضا کردند که به جای نصف آرد مزبور، به آنها پول (به عنوان وام) بدهم (و حاضرند سود پول را بدهند) آیا راهی وجود دارد که بدون ارتکاب حرام این کار را انجام دهم؟ امام هفتم علیه السلام در جوابش نوشتند: وجه درخواستی آنها را به صورت وام به آنها بپرداز و هر مقدار سودی که از فروش مجموع آردها می‌بردی، بر قیمت باقیمانده آردی که از تو می‌خرند، اضافه کن.»

ارزیابی:ضعیف/مرسل

• الکافی ج: ۵ ص: ۳۱۶

۱۰۴. عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ هَارُونَ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ مَسْعَدَةَ بْنِ صَدَقَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ سَأَلَ رَجُلٌ لَهَ مَالٌ عَلَى رَجُلٍ مِنْ قَبْلِ عَيْنِهِ عَيْنَهَا إِيَّاهُ فَلَمَّا حَلَّ عَلَيْهِ الْمَالُ لَمْ يَكُنْ عِنْدَهُ مَا يُعْطِيهِ فَأَرَادَ أَنْ يَقْلِبَ عَلَيْهِ وَ يَرْبِحَ أَيْبِيعَهُ لَوْلَا وَ غَيْرَ ذَلِكَ مَا يَسْئُرُ مِائَةَ دَرَاهِمٍ بِأَلْفِ دَرَاهِمٍ وَ يُؤْخَرُهُ قَالَ لَا بَأْسَ بِذَلِكَ قَدْ فَعَلَ ذَلِكَ أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ وَ أَمْرَنِي أَنْ أَفْعَلَ ذَلِكَ فِي شَيْءٍ كَانَ عَلَيْهِ



از امام صادق علیه السلام در مورد مردی سؤال شد که طلبی از شخص دیگری به خاطر معامله نسیه‌ای که با او کرده بود داشت، هنگام بازپرداخت بدهی بدهکار رسید، اما قدرت پرداخت نداشت، قصد کرد که مدت تمدید شود و سودی به طلبکار بپردازد، آیا (برای فرار از ربا جایز است که) طلبکار مروراید یا چیز دیگری که قیمت آن یکصد درهم است، به هزار درهم به او بفروشد و سرآمد طلبش را تأخیر بیندازد؟ امام علیه السلام فرمود: «اشکالی ندارد، پدرم امام باقر علیه السلام در مورد بدهکاری که داشتند، این کار را کردند و به من دستور دادند که این کار را انجام دهم»

ارزیابی: موثق/مسند

دسته دوازدهم: حیل ربا

• من لا یحضره الفقیه؛ ج ۳، ص: ۲۹۰

و رَوَى صَفْوَانُ بْنُ يَحْيَى عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ الْحَجَّاجِ قَالَ سَأَلْتُهُ عَنِ الصَّرْفِ وَ قُلْتُ لَهُ إِنَّ الرِّفْقَةَ رَبَّمَا عَجَلْتَ فَلَمْ تَقْدِرْ عَلَى الدَّمَشَقِيَّةِ وَ الْبَصْرِيَّةِ وَ إِنَّمَا يَجُوزُ بِنَيْسَابُورِ الدَّمَشَقِيَّةِ وَ الْبَصْرِيَّةِ فَقَالَ وَ مَا الرِّفْقَةُ فَقُلْتُ الْقَوْمُ يَتَرَأَفُونَ وَ يَجْتَمِعُونَ لِلْخُرُوجِ فَإِذَا عَجَلُوا فَرَبَّمَا لَمْ يَقْدِرُوا عَلَى الدَّمَشَقِيَّةِ وَ الْبَصْرِيَّةِ فَبِعْنَاهَا بِالْعَلَّةِ فَصَرَفُوا أَلْفَ وَ الْخَمْسِينَ مِنْهَا بِأَلْفٍ مِنَ الدَّمَشَقِيَّةِ فَقَالَ لَا خَيْرَ فِيهَا أُمَّ فَلَا تَجْعَلُونَ فِيهَا ذَهَباً لِمَكَانٍ زِيَادَتِهَا فَقُلْتُ لَهُ أَشْتَرِي أَلْفَ وَ دِينَاراً بِأَلْفِي دِرْهَمٍ قَالَ لَا بَأْسَ إِنَّ أَبِي ع كَانَ أَجْرًا عَلَى أَهْلِ الْمَدِينَةِ مِمَّا فَكَانَ يَفْعَلُ هَذَا فَيَقُولُونَ إِنَّمَا هُوَ الْفِرَارُ وَ لَوْ جَاءَ رَجُلٌ بِدِينَارٍ لَمْ يُعْطَ أَلْفَ دِرْهَمٍ وَ لَوْ جَاءَ بِأَلْفِ دِرْهَمٍ لَمْ يُعْطَ أَلْفَ دِينَارٍ وَ كَانَ ع يَقُولُ نِعْمَ الشَّيْءُ الْفِرَارُ مِنَ الْحَرَامِ إِلَى الْحَلَالِ

ارزیابی: صحیح/مسند

عبد الرحمن بن حججاج گوید: از امام صادق علیه السلام راجع به داد و ستد پولهای مسکوک متفاوت سؤال کردم و گفتم: بسا می‌شود که کاروان همسفران شتاب می‌کنند و نمی‌توانم سکه دمشق یا بصری تهیه کنم و در نیشابور یا شاپور سکه دمشق یا بصری رایج است نه سکه اینجا، فرمود: کاروان کدامست؟ عرض کردم: جماعت مردم که گردهم آمده و قصد خروج دارند و چون در رفتن شتابزدگی می‌کنند بسا که مهلت تهیه کردن سکه‌های دمشق و بصری را نداشته‌اند! ناچار دینار خود را مغشوش می‌فروشیم و آنان در عوض هزار و پنجاه (۱۰۵۰) دینار، هزار دینار دمشق می‌دهند، فرمود: در این کار خیری نیست، چرا به جای اختلاف وزن شما طلائی اضافه نمی‌کنید تا هر دو مساوی باشند؟ گوید: به آن حضرت عرض کردم دو هزار درهم می‌دهم و هزار و یک دینار می‌خرم؟. فرمود: اشکالی ندارد، راستی که پدرم سلام الله علیه از ما جراتش بر مردم مدینه بیشتر بود و این کار را می‌کرد، و اهل مدینه می‌گفتند این حيله است برای فرار از حرام، و اگر کسی یک دینار



پژوهشکده پولی و بانکی
بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران

بیاورد هزاردرهم باو نخواهند داد و اگر هزار درهم بیاورد هزار دینار به او نمی‌دهند، و پدرم علیه السلام می‌فرمود: بهترین کار فرار از حرام بسوی حلال است.

من لا یحضره الفقیه؛ ج ۳، ص: ۲۱۴

و رَوَى عَنْ بَشَّارِ بْنِ يَسَّارٍ قَالَ سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَنِ الرَّجُلِ يَبِيعُ الْمَتَاعَ بِنَسَاءٍ أُشْتَرِيَ بِهِ مِنْ صَاحِبِهِ الَّذِي يَبِيعُهُ مِنْهُ قَالَ نَعَمْ لَا بَأْسَ بِهِ فَقُلْتُ لَهُ أَشْتَرِي مَتَاعِي فَقَالَ لَيْسَ هُوَ مَتَاعَكَ وَ لَا بَقْرَكَ وَ لَا غَنَمَكَ

ارزیابی: صحیح/مسند

بشّار بن یسار گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدم: مردی متاع خود را به نسیه می‌فروشد آیا از کسی که از او خریداری کرده می‌تواند دوباره بنقد بخرد؟ فرمود: آری، اشکالی ندارد، عرض کردم: متاع خودم را خریداری کنم؟ فرمود: اینک نه متاع توست و نه گاو تو و نه گوسفند تو.

من لا یحضره الفقیه؛ ج ۳، ص: ۲۰۵

و رَوَى إِسْحَاقُ بْنُ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ سَأَلَهُ رَجُلٌ وَ أَنَا عِنْدَهُ فَقَالَ رَجُلٌ مُسْلِمٌ اِحْتِاجَ إِلَى بَيْعِ دَارِهِ فَجَاءَ إِلَى أَخِيهِ فَقَالَ أبيعَكَ دَارِي هَذِهِ فَتَكُونُ لَكَ أَحَبَّ إِلَيَّ مِنْ أَنْ تَكُونَ لِعَیْرِكَ عَلَيَّ أَنْ تَشْتَرِي لِي إِنْ أَنَا جِئْتُكَ بِثَمَنِهَا إِلَى سَنَةٍ أَنْ تَرُدَّهَا عَلَيَّ فَقَالَ لَا بَأْسَ بِهِذَا إِنْ جَاءَ بِثَمَنِهَا إِلَى سَنَةٍ رَدَّهَا عَلَيَّ

ارزیابی: صحیح/مسند

شخصی از امام صادق پرسید: مرد مسلمانی نیازمند آن می‌شود که خانه اش را بفروشد، پس نزد برادر دینی اش می‌رود و می‌گوید: این خانه را به تو می‌فروشم و دوست تر می‌دارم که مال تو باشد تا دیگری، به شرط این که اگر من تا یک سال، ثمن خانه را باز گردانم، خانه را به من تحویل دهی، امام فرمود: اشکالی ندارد. اگر تا یک سال ثمن را بازگرداند، خانه را تحویل می‌گیرد.

• وسائل الشیعه؛ ج ۱۸، ص: ۱۷۹

وَ عَنْهُ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عَمِيرٍ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ الْحَجَّاجِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: كَانَ مُحَمَّدُ بْنُ الْمُنْكَدِرِ يَقُولُ لِأَبِي ع - يَا أَبَا جَعْفَرٍ رَحِمَكَ اللَّهُ وَ اللَّهُ إِنْ لَنَعْلَمُ - أَنْكَ لَوْ أَخَذْتَ دِينَاراً وَ الصَّرْفُ بِثَمَانِيَّةٍ عَشْرًا - فَذُرْتَ الْمَدِينَةَ عَلَيَّ أَنْ تَجِدَ مَنْ يُعْطِيكَ عِشْرِينَ مَا وَجَدْتَهُ - وَ مَا هَذَا إِلَّا فِرَارٌ فَكَانَ أَبِي يَقُولُ - صَدَقْتَ وَ اللَّهُ وَ لَكِنَّهُ فِرَارٌ مِنْ بَاطِلٍ إِلَى حَقٍّ.



ارزیابی: صحیح/امسند

امام صادق می فرماید: محمد بن منکدر به پدرم می گفت: اباجعفر! به خدا قسم! ما می دانیم اگر در زمانی که نرخ مبادله سکه ها، یک دینار در مقابل هجده درهم باشد، اگر کل مدینه را بگردی کسی را نخواهی یافت که در مقابل یک دینار بیست درهم بدهد و این کار جزء فرار از ربا نیست. پدرم می فرمود: راست گفתי، اما فرار از باطل به سوی حق است.

ارزیابی: صحیح/امسند

وسائل الشیعه؛ ج ۱۸، ص: ۱۶۳

وَ بِإِسْنَادِهِ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيٍّ عَنْ أَبِي بصيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الدَّرَاهِمِ وَ عَنْ فَضْلِ مَا بَيْنَهُمَا - فَقَالَ إِذَا كَانَ بَيْنَهُمَا نَحَاسٌ أَوْ ذَهَبٌ فَلَا بَأْسَ.

از امام صادق درباره معامله درهم در مقابل درهم بیشتر سوال کردم، فرمود: هرگاه بین آنها مس یا طلا باشد، اشکال ندارد.

ارزیابی: موثق/امسند

وسائل الشیعه؛ ج ۱۸، ص: ۱۶۲

مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بِإِسْنَادِهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ الصَّغَرِيِّ عَنِ السَّنْدِيِّ بْنِ الرَّبِيعِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سَعِيدِ الْمَدَائِنِيِّ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ صَدَقَةَ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الرَّضَا ع قَالَ: قُلْتُ لَهُ جُعِلْتُ فِدَاكَ إِنِّي أُدْخِلُ الْمَعَادِنَ - وَ أُبِيعُ الْجَوْهَرَ بِتَرَابِهِ بِالدَّنَانِيرِ وَ الدَّرَاهِمِ قَالَ لَا بَأْسَ بِهِ - قُلْتُ وَ أَنَا أَصْرِفُ الدَّرَاهِمَ بِالدَّرَاهِمِ - وَ أَصِيرُ الْغِلَّةَ وَضَحًا وَ أَصِيرُ الْوَضْحَ غِلَّةً - قَالَ إِذَا كَانَ فِيهَا ذَهَبٌ فَلَا بَأْسَ - قَالَ فَحَكَيْتُ ذَلِكَ لِعَمَّارِ بْنِ مُوسَى السَّاباطِيِّ - فَقَالَ لِي كَذَا قَالَ لِي أَبُوهُ - ثُمَّ قَالَ لِي الدَّنَانِيرُ أَيْنَ تَكُونُ قُلْتُ لَا أَدْرِي - قَالَ عَمَّارٌ قَالَ لِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع يَكُونُ مَعَ الَّذِي يَنْقُصُ.

ارزیابی: ضعیف/امسند

حسن بن صدقه می گوید: به امام رضا گفتم: فدایت شوم! من وارد معادن می شوم و طلا را همراه خاک آن با درهم و دینار معامله می کنم، فرمود: اشکالی ندارد. گفتم: همچنین درهم را با درهم معاوضه میکنم و درهم های ناخالص را تبدیل به درهم خالص می نمایم و یا این که بر عکس، خالص را با ناخالص معاوضه می کنم. امام فرمود: اگر در بین درهم ها طلائی باشد، اشکال ندارد.



وسائل الشیعه؛ ج ۱۸، ص: ۴۲

عَبْدُ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرٍ فِي قُرْبِ الْإِسْنَادِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْحَسَنِ عَنْ جَدِّهِ عَلِيِّ بْنِ جَعْفَرٍ عَنْ أُخِيهِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ ع قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ رَجُلٍ بَاعَ ثَوْبًا بِعَشْرَةِ دَرَاهِمٍ - ثُمَّ اشْتَرَاهُ بِخَمْسَةِ دَرَاهِمٍ يَجِلُّ - قَالَ إِذَا لَمْ يَشْتَرِطْ وَرَضِيَا فَلَا بَأْسَ.

علی بن جعفر می گوید: از برادرم موسی بن جعفر سوال کردم: مردی پیراهنی را به ۱۰ درهم می فروشد، سپس همان را به ۵ درهم می خرد، آیا چنین کاری جایز است؟ آن حضرت فرمود اگر شرط نشده است و هر دو راضی هستند، اشکالی ندارد.

وسائل الشیعه؛ ج ۱۸، ص: ۴۵

وَ عَنْهُ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ مَنْصُورِ بْنِ حَازِمٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع عَنِ الرَّجُلِ يَكُونُ لَهُ عَلَى الرَّجُلِ - طَعَامٌ أَوْ بَقْرٌ أَوْ غَنَمٌ أَوْ غَيْرُ ذَلِكَ - فَأَتَى الْمَطْلُوبَ الطَّالِبَ لِيَبْتِنَعَ مِنْهُ شَيْئًا - قَالَ لَا يَبِيعُهُ نَسِيئًا فَأَمَّا نَقْدًا فَلْيَبِيعْهُ بِمَا شَاءَ.

ارزیابی: صحیح/مسند

منصور بن حازم می گوید: به امام صادق عرض کردم: مردی از مردی دیگر طعام، گاو، گوسفند یا غیر آن طلب دارد، طلبکار نزد بدهکار می آید تا از وی چیزی خریداری کند. آن حضرت فرمود: نسیه به او چیزی نفروشد اما به طور نقد اشکالی ندارد

وسائل الشیعه؛ ج ۱۸، ص: ۴۵

وَ عَنْهُ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ بَكَّارِ بْنِ أَبِي بَكْرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع فِي رَجُلٍ يَكُونُ لَهُ عَلَى الرَّجُلِ الْمَالُ - فَإِذَا جَاءَ الْأَجْلُ قَالَ لَهُ بِعْنِي مَتَاعًا حَتَّى أُبِيعَهُ - فَأَقْضِيَ الَّذِي لَكَ عَلَيَّ قَالَ لَا بَأْسَ.

ارزیابی: ضعیف/مسند

بکار به امام صادق عرض کرد: مردی از دیگری مالی طلب دارد. هنگام سررسید، بدهکار به او می گوید: کالایی را به من بفروش تا از فروختن آن، طلب تو را پرداخت کنم. امام صادق فرمود: اشکالی ندارد.

• تهذیب الأحکام؛ ج ۷، ص: ۱۰۶



پژوهشکده پولی و بانکی
بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران

عَنْهُ عَنِ ابْنِ أَبِي عَمِيْرٍ عَنْ حَمَّادٍ عَنِ الْحَلْبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ لَا بَأْسَ بِالْفِ دِرْهَمٍ وَ دِرْهَمٍ بِالْفِ دِرْهَمٍ وَ دِينَارَيْنِ إِذَا دَخَلَ فِيهَا دِينَارَانِ أَوْ أَقَلُّ أَوْ أَكْثَرُ فَلَا بَأْسَ بِهِ

امام صادق فرمود: معامله ۱۰۰۱ درهم با ۱۰۰۰ درهم و دو دینار، اشکال ندارد؛ هنگامی که دو دینار یا کمتر یا بیشتر، داخل در معامله باشد.

تهذیب الأحکام؛ ج ۷، ص: ۱۱۳

الْحَسَنُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ سَمَاعَةَ عَنْ صَفْوَانَ عَنِ ابْنِ مُسْكَانَ عَنْ مَنْصُورِ الصَّيْقَلِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ سَأَلْتُهُ عَنِ السَّيْفِ الْمُفَضِّضِ يُبَاعُ بِالذَّرَاهِمِ فَقَالَ إِذَا كَانَتْ فِضَّتُهُ أَقَلَّ مِنَ النَّقْدِ فَلَا بَأْسَ وَ إِنْ كَانَتْ فِضَّتُهُ أَكْثَرَ فَلَا يَصْلُحُ

ارزیابی:ضعیف/مسند

ابو بصیر می گوید: از امام درباره معامله شمشیر نقره کاری شده در مقابل درهم سوال نمودم، فرمود: هرگاه نقره آن کمتر از درهم ها باشد، اشکال ندارد؛ اما اگر بیشتر باشد، اشکال دارد.

تهذیب الأحکام؛ ج ۷، ص: ۲۲

الْحُسَيْنُ بْنُ سَعِيدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ النَّعْمَانِ وَ عُثْمَانَ بْنِ عِيسَى عَنْ سَعِيدِ بْنِ يَسَارٍ قَالَ قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع إِنَّا نُخَالِطُ أَنَاسًا مِنْ أَهْلِ السَّوَادِ وَ غَيْرِهِمْ فَتَبِيْعُهُمْ فَتَرَبُّحُ عَلَيْهِمْ الْعَشْرَةَ بِأَثْنَيْ عَشَرَ وَ الْعَشْرَةَ بِثَلَاثَةَ عَشَرَ وَ نُوجِبُ ذَلِكَ فِيمَا بَيْنَنَا وَ بَيْنَهُمُ السَّنَةَ وَ نَحْوَهَا فَيَكْتَبُ لَنَا الرَّجُلُ عَلَى دَارِهِ أَوْ عَلَى أَرْضِهِ بِذَلِكَ الْمَالِ الَّذِي فِيهِ الْفَضْلُ الَّذِي أَحَدًا مِنَّا شَرَاءً قَدْ بَاعَ وَ قَبِضَ الثَّمَنَ فَنَعِدُهُ إِنْ هُوَ جَاءَ بِالْمَالِ إِلَى وَقْتِ بَيْنَنَا وَ بَيْنَهُ أَنْ نَرُدَّ عَلَيْهِ الشَّرَاءَ وَ إِنْ جَاءَ الْوَقْتُ فَلَمْ يَأْتِنَا بِالذَّرَاهِمِ فَهُوَ لَنَا فَمَا تَرَى فِي الشَّرَاءِ قَالَ أَرَى أَنَّهُ لَكَ إِنْ لَمْ يَفْعَلْ وَ إِنْ جَاءَ بِالْمَالِ لِلْوَقْتِ فَرُدَّ عَلَيْهِ

ارزیابی:صحیح/مسند

سعید بن یسار می گوید به امام صادق عرض کردم: ما با اهل عراق و دیگران معاشرت داریم و با آنان معامله می کنیم و به صورت مرابحه، آنچه را که مثلا ۱۰ درهم خریده ایم، به ۱۲ یا ۱۳ درهم می فروشیم و پول آن را حدود یک سال و مانند آن به تأخیر می اندازیم (به طور نسیه می فروشیم). خریدار در مقابل مالی که از ما به قیمت بیشتر خریده است، نوشته ای در مورد خانه یا زمینش به ما می دهد که ان را به ما فروخته و ثمن آن را هم گرفته است. پس با او قرار می گذاریم که اگر پول را تا سر موعد آورد، ملک را به او برگردانیم اما اگر در وقت مقرر پول را نیاورد، خانه یا زمین ملک ما باشد، شما در این مورد چه حکم می فرمایید؟



امام صادق فرمود: حکم می کنم که اگر در سر وقت پول را نیاورد، مال برای توست و اگر آن را آورد، ملک را به او برگردان.

تهذیب الأحکام؛ ج ۷، ص: ۱۷۶

عَنْهُ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي بَشِيرٍ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ مَيْسَرَةَ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا الْجَارُودِ يُسْأَلُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَ عَنْ رَجُلٍ بَاعَ دَارًا لَهُ مِنْ رَجُلٍ وَ كَانَ بَيْنَهُ وَ بَيْنَ الرَّجُلِ الَّذِي اشْتَرَى مِنْهُ الدَّارَ حَاصِرٌ فَشَرَطَ أَنَّكَ إِنْ أَتَيْتَنِي بِمَالِي مَا بَيْنَ ثَلَاثِ سِنِينَ فَالِدَارُ دَارَكَ فَإِنَّمَا بَيْعُهُ قَالَ لَهُ شَرَطُهُ قَالَ لَهُ أَبُو الْجَارُودِ فَإِنَّ ذَلِكَ الرَّجُلَ قَدْ أَصَابَ فِي ذَلِكَ الْمَالِ فِي ثَلَاثِ سِنِينَ قَالَ هُوَ مَالُهُ وَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَ أَرَأَيْتَ لَوْ أَنَّ الدَّارَ احْتَرَقَتْ مِنْ مَالٍ مَنْ كَانَتْ تَكُونُ الدَّارُ دَارَ الْمُشْتَرِي

ارزیابی: موثق/مسند

اباجارود از امام صادق درباره مردی پرسید که خانه ای را به دیگری فروخت و خریدار این شرط را پذیرفت که اگر در طول سه سال مال او را بیاورد، خانه وی را بازگرداند و آن مرد مال را آورد. امام صادق فرمود: حق با توست؛ می تواند خانه خود را تحویل بگیرد. اباجارود گفت: آن مرد از این خانه سه سال استفاده کرده است. حضرت فرمود: خانه مال او بوده، سپس فرمود: اگر خانه آتش می گرفت به عهده چه کسی بود؟ خانه، خانه مشتری بود.

• الکافی (ط - الإسلامية)؛ ج ۵، ص: ۲۰۲

عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عِيسَى عَنِ ابْنِ أَبِي عَمِيرٍ عَنْ حَفْصِ بْنِ سَوْقَةَ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ الْمُنْذِرِ قَالَ قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَ يَجِيئُنِي الرَّجُلُ فَيَطْلُبُ الْعَيْنَةَ فَأَشْتَرِي لَهُ الْمَتَاعَ مَرَابِحَةً ثُمَّ أبيعُهُ إِيَّاهُ ثُمَّ أَشْتَرِيهِ مِنْهُ مَكَانِي قَالَ فَقَالَ إِذَا كَانَ بِالْخِيَارِ إِنْ شَاءَ بَاعَ وَ إِنْ شَاءَ لَمْ يَبِعْ وَ كُنْتَ أَنْتَ أَيْضًا بِالْخِيَارِ إِنْ شِئْتَ اشْتَرَيْتَ وَ إِنْ شِئْتَ لَمْ تَشْتَرِ فَلَا بَأْسَ قَالَ قُلْتُ فَإِنَّ أَهْلَ الْمَسْجِدِ يَزْعُمُونَ أَنَّ هَذَا فَاسِدٌ وَ يَقُولُونَ إِنْ جَاءَ بِهِ بَعْدَ أَشْهُرٍ صَلَحَ فَقَالَ إِنْ هَذَا تَقْدِيمٌ وَ تَأْخِيرٌ فَلَا بَأْسَ بِهِ

ارزیابی: ضعیف/مسند

حسین بن منذر می گوید: به امام صادق گفتم: مردی نزد من می آید و از من ببع عینه می طلبد، پس کالایی را برای او می خرم و سپس آن را به وی می فروشم، بعد در همان مکان کالا را از او می خرم. آن حضرت فرمود اگر آن فرد مختار باشد؛ چنان که اگر بخواهد، بفروشد و اگر نخواهد، نفروشد، و تو هم مختار باشی؛ چنان که اگر بخواهی، بخری و اگر نخواهی، نخری؛ اشکال ندارد. عرض کردم: اهل مسجد گمان می کنند این معامله



پژوهشکده پولی و بانکی
بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران

فاسد است و می گویند: اگر پس از چند ماه این کار را انجام دهد، جایز است. امام صادق فرمود: همانا که این، تقدیم و تأخیر است، اشکالی ندارد.

- الاستبصار فیما اختلف من الأخبار؛ ج ۳، ص: ۷۹

عَنْهُ عَنْ صَفْوَانَ عَنِ ابْنِ مُسْكَانَ عَنْ لَيْثِ الْمُرَادِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ سَأَلَهُ رَجُلٌ زَمِيلٌ لِعُمَرَ بْنِ حَنْظَلَةَ عَنِ الرَّجُلِ تَعَيَّنَ عَيْنَهُ إِلَى أَجَلٍ فَإِذَا جَاءَ الْأَجَلَ تَقَاضَاهُ فَيَقُولُ لَا وَاللَّهِ مَا عِنْدِي وَ لَكِنَّ عَيْنِي أَيْضاً حَتَّى أَقْضِيكَ قَالَ لَا بَأْسَ بِبَيْعِهِ

ارزیابی: صحیح/امسند

دوست عمر بن حنظله از امام صادق درباره مردی پرسید که کالای خود را به طور نسیه به دیگری می فروشد و هنگام سررسید که ثمن آن را می طلبد، خریدار می گوید: سوگند به خدا که چیزی نزد من نیست و لکن دوباره کالایی را به صورت عینه به من بفروش، تا طلب تو را بدهم. امام صادق فرمود: اشکالی ندارد.

- جامع أحادیث الشيعة؛ ج ۲۳، ص: ۳۸۸

الدَّعَائِمُ ۲ / ۴۴: عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِمَا أَنَّهُ سَأَلَ عَنْ رَجُلٍ بَاعَ دَارَهُ عَلَى شَرْطِ أَنَّهُ إِنْ جَاءَ بَثْمَنُهَا إِلَى سَنَةِ أَنْ تَرَدَّ عَلَيْهِ قَالَ لَا بَأْسَ بِهَذَا وَهُوَ عَلَى شَرْطِهِ

از امام صادق سوال شد که مردی خانه اش را به این فروخته است که اگر ثمن آن را تا یک سال دیگر بازگرداند، مشتری خانه را پس دهد. امام فرمود: اشکالی ندارد و او باید به شرطش عمل کند.